

مژده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامید بند و از بهترین آنها پیروی میکنند

پرسشها از ایرانیان و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

## مشکل رهبری

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۳۷ از ۲ تا ۱۵ آذر ۱۳۸۸

درود بر آقای بنی صدر عزیز  
من را به فریدون آبتین بشناسید با سطح تحصیلات فوق لیسانس . خیلی از ویدیو ها و سخنرانی های شما را در youtube دیده ام .  
و در بسیاری از موارد با افکار و اندیشه های شما آشنا هستم .  
براستی شما را فردی بسیار باهوش، متکی به خود، با منطقی بسیار قوی و قدرت تحلیل و سخنوری بالا یافتیم . گهگاهی روزنامه شما رو هم مطالعه می کنم . هر دو بر سر ضرورت یک انقلاب جهت نجات ایران هم عقیده هستیم . به پندار اینجانب ایجاد یک دگرگونی (انقلاب) در هر جامعه ای به چهار عامل بستگی دارد:

- ۱- نارضایتی همگانی
- ۲- روحیه بسیجی ملت و آمادگی فداکاری حتی به قیمت جان شهروندانش جهت تحقق انقلاب
- ۳- رهبری
- ۴- ایدئولوژی جایگزین

از آفتاب روشن تر است که نارضایتی همگانی در بالاترین درجه در مردم وجود دارد ، شجاعت و روحیه ایثار در این جنبش سبز شکل گرفته و در حال تکامل است به بیان دیگر ترس مردم ریخته شده و کلیتات ایدئولوژی جایگزین، خواست ۱۲۰ ساله ملت بزرگ ایران است که همانا زیستن در سایه سار یک مردم سالاری واقعی و حق حاکم شدن بر سر نوشت خویش می باشد.

فقط مانده رهبری این جنبش بزرگ . بدیهی است رهبری آقای موسوی پین بد و بدتر، بد را پیشنهاد می کند و لی خواسته های ملت خیلی بیشتر از یک اصلاحات در حکومت تا بن دندان فاسد است . آی کاش نیروهای مخالف (اپوزیسیون) که در خارج هستند به جای تاکید ۳۰ ساله بر اختلافات و بحث های ایدئولوژیک بر بزرگترین نقطه اشتراک خود که همانا مخالفت و سرنگونی رژیم زر و زور است با هم، هم پیمان می شدند و انتخاب نهایی را بر عهده ملت می گذاشتند . نگرانم که این رستاخیز ملی با گذشت زمان حالت فرسایشی به خود بگیرد و مردم از اعتراض خسته شوند و دوباره سرمای استبداد و خاموشی مرگبار چند سال گذشته جو ایران را فرا بگیرد .

ملت ایران در آرمانی ترین شرایط جهت انجام یک انقلاب قرار دارند و مجنونی چون احمدی نژاد جامعه را تا حد انفجار پیش برده است . وجود شخصیتی مانند احمدی نژاد بهترین فرصت است . احمدی نژاد برای رژیم مانند دوست نادان است که از هزار دشمن دانا برای نظام ولی فقیه خطرناک تر است . ولی کسی نمی داند فردا چه خواهد شد . پس تا زود است باید این کار انجام شود:

گلستان که امروز آید به بار  
چو فردا چنی گل نیاید به کار  
نظر شما چیست؟  
با تشکر  
دوستدار شما فریدون آبتین

هرگاه بخواهیم همه آنچه را که انقلاب می خواهد از میان بر خیزد و همه آنچه را که انقلاب می خواهد برقرار شوند، فهرست کنیم، انقلاب تحقق می یابد وقتی جامعه وجدان شفافی پیدا می کند نسبت به همه آنچه می باید از میان بر خیزد و همه آنچه می خواهد برقرار شوند. در « جنبش چه وقت همگانی می شود » ... و « در ستون پایه های قدرت»، همه آنچه باید از میان بر خیزد و همه آنچه می باید برقرار شوند را موضوع بحث قرار داده ام . نفی شوندگان و اثبات شوندگان، در مجموع، بر انگیزندگان یک جامعه به انقلاب هستند. برای مثال، در باره انقلاب فرانسه گفته اند جامعه فرانسوی سال ۱۷۸۹ می خواست:

\* همه آن فرآورده های زور که می باید از میان بر می خاستند:

- ۱- سلطنت مطلقه
- ۲- نظام طبقاتی فئودالی و فقر و خشونت فراگیر
- ۳- اصلاح در محدوده رژیم که محور آن سلطنت مطلقه بود.
- ۴- دستگاه قضائی در خدمت قدرت خودکامه
- ۵- ترس از ادامه وضع موجود بعنوان محور ترسها که چون خوره به جان جامعه افتاده بودند.
- ۶- فساد دولت از رأس تا پائین و توسعه نابسامانی ها و آسیبهای اجتماعی
- ۷- تبعیض ها
- ۸- کلیسا بمثابة مؤلفه قدرت خودکامه و بیان دینی ناچیز شده در بیان قدرت
- ۹- از دست رفتن موقعیت فرانسه در اروپا و تضعیف آن بخصوص از لحاظ اقتصادی و علمی
- ۱۰- نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی از میان بروند.

\* همه آن خواستها که می باید تحقق می یافتند:

- ۱- حاکمیت مردم
- ۲- حقوق انسان
- ۳- آزادی، برابری و برادری

فرید راستگو

## جنبش آزادیخواهانه مردم پیروز میشود اگر.. (۷)

ایران همواره در تاریخ با هجوم بیگانگان و بیگانه پرستان داخلی مواجه بوده است. برخی از رجال سیاسی و مسئولین کشوری منافع شخصی را بر مصالح ملی ترجیح دادند و متأسفانه براساس خوی قدرت طلبی و عدم شجاعت اخلاقی و از دست دادن خصیصه جوانمردی منافع بیگانه را بر ملت ایران برتر داشتند تا بر قدرت بمانند و یا به قدرت برسند. کتب تاریخی مثل تاریخ بیهقی و تاریخ جوینی و دیگر کتب مرجع گواهی بر همکاری رجال ایران با بیگانگان می دهند. در همکاری رجال ایرانی با اعراب، مغولان، تیموریان، روس و انگلیس و آمریکا هیچ جای شک و شبیه ای نیست.

شنیدند کانتجا یکی مهترست  
پر از هول شاه اژدها پیکر  
است  
هر چند که مبنای همکاری ایرانیان در تاریخ با بیگانگان بعد از حمله اعراب نیست ولی بعلت وجود مراجع تاریخی از این دوران به بعد می توان این همکاری و وطن فروشی را به چهار دوره تقسیم کرد.

ژاله وفا  
مجامع اسلامی ایرانیان

## جنبش مردم و تاکتیک و استراتژی تحول بسوی آزادی

هیچ ملتی با هویت کهن و متنوع از لحاظ قومی و نظری، قادر به ادامه حیات نخواهد بود، مگر اینکه دارای:

- ۱- فرهنگ مشترکی باشد که در تاریخی طولانی، با شرکت همگان ساخته شده باشد،
- ۲- دارای وجدانی تاریخی باشد که پایه استوار وجدان ملی است و این وجدان تاریخی گزارشگر معرفت همگان (تمامی شهروندان آن با هر مرام و عقیده ای) بر چند و چون زندگی در وطن مشترک می باشد،
- ۳- در سیر حیات خود دارای اصل راهنما و روش زیست مستقل بر اساس آن اصل راهنما در جهان پر خطر و نیز شعور به خود بمثابة یک ملت باشد،



۴- عدالت اجتماعی

۵- نظام اجتماعی باز و بسامان تر

۶- جدائی دین از قدرت سیاسی

۷- آزادی فعالیت اقتصادی (بدین خاطر آن را انقلابی به رهبری

بورژوازی خوانده اند)

۸- تجدد و رشد (عصر روشنائی)

۹- یافتن موقعیت جامعه آزاد و پیشرو

در جامعه اروپائی .

۱۰- دولت حقوق مدار

۱۱- اعتماد و امید

برقرار شوند.

منفی ها و مثبت ها، در اندیشه های راهنمای دوران انقلاب فرانسه، تعریفها یافته اند متفاوت و نه همواره شفاف. با وجود این، گویای واقعیتها زیر هستند:

۱- برای این که انقلابی روی دهد، کافی نیست جامعه ای بداند چه اموری را نمی خواهد برجا بماند. لازم است بداند چه اموری را فرآورده استقلال و آزادی انسان و جامعه ملی می داند و می خواهد واقع شوند. این امور، نقد پذیر و تصحیح پذیر باشد و ماندنی باید باشند.

۲- اکثریت بزرگی از جامعه می باید وجدان همگانی به منفی ها و مثبتها پیدا کند و موفقیت انقلاب بستگی تمام پیدا می کند به اندیشه های راهنمایی که منفی ها و مثبت ها در آنها، می باید تعریفهای شفاف بچینند. و اگر گرایشهای فکر متعدد راهنماهای شرکت کنندگان در جنبش باشند، موفقیت جنبش در ایست که آن گرایشها بر سر منفی ها و مثبت ها اشتراک بیابند و جمهور مردم از آنها برداشتهای مشابه و روشن پیدا کنند.

۳- هرگاه قدرت هدف باشد به تریبی که آزادی نیز به قدرت تعریف شود، منفی ها و مثبت ها تعریفهای شفاف پیدا نمی کنند. در نتیجه، رهبری ترجمان استقلال و آزادی و حقوقمندی انسان و جامعه، جای به رهبری بیانگر قدرت می دهد. دوران ترور در انقلاب فرانسه و بنابارتیس از جمله، بدین دلیل، پدید آمدند.

۴- شفاف شدن تعریفهای منفی ها و مثبت ها و مقبول وجدان همگانی شدن آنها، آن رهبری را میسر می کند که می تواند انقلاب را به هدفهای خود برساند. از جمله، بدین دلیل بود که انقلاب آمریکا و انقلاب هند، دیکتاتوری بعد از انقلاب را به خود ندیدند. به خود ندیدن دیکتاتوری، دلایل دیگر نیز داشت، از جمله این دلایلها:

۵- این دو انقلاب، در عین حال، نهضت ملی بر ضد سلطه انگلستان نیز بودند. بعد از پیروزی، قدرت خارجی مزاحمی که از عوامل بازسازی استبداد وابسته شود، حضور نداشت.

۶- ساختهای اجتماعی که بر محور قدرت و دولت استبدادی پدید آمده اند، مقاوم هستند. باز و تحول کردن نظام اجتماعی از راه تغییر ساختها، نیازمند وجود رهبری معرف استقلال و آزادی انسان و جامعه و شناسائی ستون پایه های قدرت و از میان برداشتن آنها و فعال کردن نیروهای محرکه در رشد است. از این رو،

۷- بسط آزادیها و برخورداری کردن اکثریت بزرگ از استقلال (هرکس در رهبری خود استقلال جوید و در رهبری جامعه خود شرکت کند) و آزادی، بخصوص زنان و جوانان بلحاظ اهمیتی که استقلال و آزادی آنها در تغییر ساخت های اجتماعی دارد، ضرورت تمام دارد. در جامعه هایی که در پی انقلاب، نظام سیاسی جدید نخست زنان را به موقعیت زیر سلطه باز می گرداند و سپس جوانان را، بمثابة نیروی محرکه، به قدرت (= انقلاب تجربه نیمه تمام می شود و استبداد وابسته، باز سازی می شود. نمونه های انقلاب الجزایر و انقلاب ۵۷ ایران از این نوعند.

## مشکل رهبری

کشاند و علت وجودی خود را این می دانستند که مردم را در دایره ممکن (محدوده نظام) نگاه دارند. هنوز نیز تهدید می کنند اگر کودتاجیان وجود آنها را برنمایند، رهبری از آن کسانی خواهد شد که می خواهند نظام نباشد.

پرسش کننده گرامی نگران آنست که نبود رهبری درخور، سبب فرسایش جنبش و فروخوابیدنش شود. در «استراتژی شکست»، این نگرانی را واقع بینانه خواننده ام و همچنان کارهایی که باید کرد تا جنبش تا رسیدن به هدف ادامه یابد، را پیشنهاد کرده ام. اینک، باردیگر، خاطر نشان می کنم که قصد نیاید انقلاب دیگری باشد بلکه قصد می باید رساندن تجربه انقلاب به هدف خویش باشد. به تریبی که همه آن اموری که می باید از میان خواستها که می باید تحقق پذیرند، تحقق پذیرند. این روشن بینی و روشن گری سبب می شود ترسهای برجا مانده جای به شجاعت و بی تصمیمی جای به تصمیم دهد و جنبش بتواند تا پیروزی ادامه یابد.

شعارهای گوناگون وجود گرایشهای مختلف را گزارش می کنند. با این وجود، یکچند از شعارها دارند همگانی می شوند. دو شعار، «ولایت فقیه نه ولایت جمهور مردم آری!» و «استقلال، آزادی، جمهوری»، می توانند در بگیرنده منفی ها و مثبتها بگردند و جمهور مردم بر سر آنها اتفاق کنند. «استقلال، آزادی، جمهوری» شفاف تر و دقیق تر از «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» است. زیرا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری» گویای ولایت جمهور مردم بر اصول استقلال و آزادی است و شعار «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» بازگشت به دوران تقدم بازی است. تقدم ایرانیت بر اسلامیت و مرامهای دیگر، همان است که در ایران و ترکیه و... تجربه شده و تجربه ناموفقی بوده و توجه گر استبداد و سانسور مردم در باورهاشان گشته است. این شعاردر بگیرنده همه حقیقت نیز نیست. چرا که ایرانیت به وجود صفات و ویژگی هایی تحقق می یابد. از این رو، باورها و اندیشه های راهنمایی در ایران پا می گیرند که تصدیق این صفات و ویژگی ها باشند. بدین قرار، جدا کردن هویت ایرانی از باور و اندیشه راهنما ناشدنی و تقدم بخشیدن به هر یک از باور و یا ایرانیت، به یک اندازه خطرناک است. چرا که تقدم بخشیدن به ایرانیت آن را از صفات و ویژگی های زندگی در استقلال و آزادی در وطن، تهی می کند. اما خالی شدن از هویت ناممکن است. از این رو، چنین ایرانیتی مجوز استبدادی می شود نیازمند به وابستگی به قدرت خارجی که وارد کننده عناصر ضد فرهنگ و بازدارنده جامعه از فرهنگ ساختن و بدان، به خود هویت بخشیدن. ایران دوران پهلوی و جامعه های تحت آن گونه استبداد، این تجربه تلخ را کرده اند. و اما تقدم بخشیدن به اسلامیت بر ایرانیت، استبدادی را حاکم می کند که هم اینک جنبش در کار پایان بخشیدن بدان است.

۲- هوشیار باید بود! حیات جنبش در ادامه آنست و ادامه آن با دورانیهای استبدادی سیاه (دوران پهلوی و دوران خمینی) را سفید کردن و آنها را خواستی گرداندن، ناممکن است. شما که برای نگاه داشتن جنبش در «چهارچوب نظام»، می کوشید دوران خمینی را که دوران جنگ و جنایتها و خیانتها و فسادهای بزرگ بود، سفید کنید، بدانید که دارید در برابر جنبش

سد ایجاد می کنید. جنبش برای این که ادامه یابد، نیازمند آنست که از هم اکنون مردم بدانند آن امور که می باید از میان بروند، از میان می روند و همه آن خواستها که می باید تحقق یابند، تحقق می یابند. پس، جنبش نیازمند رهبری است که رها از وابستگی ها به استبدادهای پهلوی و خمینی و بیانگر عزم جامعه ملی به رساندن تجربه انقلاب به هدفهای خود باشد.

در حقیقت، ادامه جنبش به نیروهای محرکه نیاز دارد و این نیروهای محرکه یکی بیرون رفتن از استبداد و از میان برخاستن ستون پایه های قدرت و دیگری برقراری مجموعه خواستها، از جمله استقرار دولت حقوقمدار و سومی رهبری بیانگر نه به منفی ها و آری به مثبت ها هستند. جنبش برای اینست که خواستهای مردم تحقق یابند و نه این که در رژیم استبداد فقیه، مهره ها جا به جا شوند.

و چون در «جنبش چه وقت همگانی می شود» (نشریه انقلاب اسلامی شماره ۷۳۲) به تفصیل بکارهایی پرداخته ام که باید کرد تا جنبش همگانی شود و تا پیروزی ادامه یابد، بدانها، باز نمی پردازم. اما ناگزیر می باید تاکید کنم که:

۳- بخلاف ادعای ترس آفرینان، کسانی که مافیاهای نظامی - مالی و خامنه ای را می ترسانند که اگر احمدی نژاد را روانه نکنند و موسوی را نیاورند، انقلاب می شود و انقلاب به جنگ داخلی می انجامد، این متوقف شدن جنبش است که احتمال وقوع جنگ داخلی را قطعی می کند. چرا که جنبش بهمان نسبت که وسعت می گیرد و همگانی می شود، جمهور مردم را در بستر خود، همسو و هم هدف می کند و بستر دیگری باقی نمی گذارد تا که گروه های مسلح در آن شوند و کشور را صحنه جنگ مرگبار و ویرانگر با یکدیگر کنند. اما هرگاه جنبش همگانی نتواند از دو مانع، یکی سرکوب و دیگری «استراتژی شکست» عبور کند، کشور عرصه گروههای تفنگ بدست می شود. تجربه ایران و تجربه جامعه های دیگر نیز، بیانگر این واقعیت هستند:

• در دوران شاه، جنبشها سرکوب می شدند. کار به جنبش همگانی ۱۵ خرداد ۴۲ کشید. آن جنبش نیز سرکوب شد. در حقیقت، جنبشهای مردم میان دو مانع گرفتار بودند: سرکوب شدید و زندانی شدن جنبش در «نظام پادشاهی مشروطه». آقای خمینی در تلگراف خود به شاه، دعا می کرد که خداوند ایران را از انقلاب حفظ کند و دم از اسلام مقدم است می زد. لاجرم، کار بر جنبش مسلحانه قرار گرفت. زمانی دراز لازم شد که یکی از دو مانع برداشته شود. جنگ اصول استقلال و آزادی و رشد و عدالت اجتماعی و نیز ایرانیت و اسلامیت، بر اصل موازنه عدمی، جای به صلح این اصول و ایرانیت و اسلامیت، با یکدیگر بسیار و از نو، جنبش همگانی بمثابة روش پیشنهاد شود و این جنبش تا سقوط رژیم شاه ادامه یابد.

• جامعه های امریکای لاتین نیز مکرر، جنبش همگانی ناکام و کودتاهای نظامی و نیز جنبش مسلحانه را تجربه کرده اند. «محدوده نظام» در امریکای لاتین، محدوده سلطه امریکا بود. جنبشها در این محدوده ناکام می

شدند. سرانجام، این مانع برداشته و راه جنبش همگانی باز شد. جنبشها برخاستند و سرکوبگری دیکتاتوری های نظامی به سرنگونی آنها انجامیدند. امروز، در امریکای لاتین، دوران کودتاهای نظامی دارد پشت سر گذاشته می شود. هنوز، بر سر راه استقرار کامل ولایت جمهور مردم، مانع هایی وجود دارند اما در ملت های امریکای لاتین توانائی برداشتن مانع ها وجود دارد.

• تحول ترکیه بگونه ای دیگر انجام گرفته است اما در این کشور نیز، همان دو مانع، سبب تکرار کودتاهای نظامی و وجود سازمانهای مسلح و جنگ مسلحانه می شده اند. هرگاه دو مانع بطور کامل از میان برخیزند، تحول جامعه در استقلال و آزادی و صلح و رشد میسر می شود.

• پاکستان نمونه دیگری از نقش این دو مانع در پیدا کردن وضعیتی است که جسته است. اینک کشور، دولتی دارد از لحاظ مالی ورشکسته و هرگاه بنا را بر برداشتن دو مانع نگذارد و نظام اجتماعی باز نشود و ارتش از غصب حق حاکمیت مردم باز نایستد و ستون پایه های قدرت با ستون پایه های حقوق جانشین نشوند، جامعه پاکستانی در قید سازمانهای مسلح باقی می ماند. افغانستان و عراق نیز در چنین موقعیتی هستند و می باید از بند این دو مانع بیسازید. هرگاه در این نوع جامعه ها، مردم خود مرزهای دینی و قومی را بردارند و همگان در جنبش برای صلح ملی و رشد هماهنگ شرکت کنند، بسا خود بتوانند مانع ها که گروههای مسلح و دولت زورمدار باشند را از میان بردارند. بدین ترتیب که دولت را حقوق مدار کنند و سازمانهای مسلح را به سازمانهای سیاسی توانا به شرکت در زندگی سیاسی جامعه بدل سازند.

### و اما تکلیف رهبری جنبش چه می شود؟

پرسش کننده گرامی می پرسد: چرا نیروهای مخالف بر سر آنچه موافق هستند که از میان برداشتن رژیم زر و زور است، توافق نکنند و کار تعیین تکلیف رهبری و نوع نظام سیاسی را، در فردای پیروزی، به خود مردم بازنگذارند؟ پرسش تناقض هایی در بردارد که هرگاه رفع شوند، پاسخ خود را بدست می آورد:

۱- هرگاه رژیم بدین خاطر بد است و می باید از میان برخیزد که رژیم زر و زور است، پس سازمانهای اهل زر و زور و وابسته، مخالف آن نیستند. از جنس آند و اتحاد با آنها، محکوم کردن جنبش به شکست است. باردیگر، توجه همگان را به این مهم جلب می کند که استراتژی کسانی که می خواهند جنبش را در «چهارچوب نظام» نگاه دارند، خود و جنبش را محکوم به شکست می کنند زیرا در رژیم زر و زور، انتخاب وجود ندارد. تقلب بزرگ بر همگان مسلم کرد که انتخاب میان بد و بدتر نیز وجود ندارد و بدترین خود را تحمیل می کند.

حال، چگونه بتوان از آنها خواست محدوده رژیم را ترک گویند و خواستار استقرار ولایت جمهور مردم شوند و در همان حال، با گروههایی اتحاد کرد که پول و زور، بنا بر این، وابستگی به قدرتهای خارجی را وسیله





زیادی پیش رو دارم. بسیاری از دوستان ما دانشگاهیانی مثل دکتر دهقان و دکتر قربان بودند. دوره دکتری را در سال ۱۹۷۳ به پایان رساندم. در کتاب «شیراز در روزگار حافظ، شکوهمندی شهر ایرانی در قرون وسطی» که رساله دکترای من بود، کوشش کردم تا محیط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن زمان را بازسازی کنم. این کتاب در سال ۲۰۰۴ منتشر شد.

در آزمون خدمات و مأموریت‌های خارجی شرکت کردم. دو انتخاب پیش رویم بود یا در بخش خدمات خارجی وزارت خارجه آمریکا مشغول به کار می‌شدم و یا به عنوان پروفیسور دستیار به دانشگاه شیراز می‌رفتم. از این رو در ژوئن ۱۹۷۳ به اداره خدمات خارجی وزارت خارجه آمریکا پیوستم. به مدت ۳۳ سال در این اداره خدمت کردم و در این مدت به مناسبت‌های مختلفی در بسیاری کشورها از جمله ایران، امارات متحده عربی و دیگر کشورها مشغول شدم اما در آن زمان که ابتدای کارم بود نمی‌خواستیم در ایران خدمت کنیم. به این دلیل که دوره دکترین نیکسون - کارتر بود و من علاقه‌ای به سیاست‌های آمریکا در ایران نداشتم.

کنجکاوی داشتم. چیزهایی در حال تغییر بود. ما هم مثل شما تصور می‌کردیم این تغییرات برای ایران و آمریکا بسیار بزرگ خواهد بود و این تغییرات بزرگ در ذهن همه ما تغییراتی عجیب و البته دوستانه بود. آمریکا و شاه رابطه بسیار نزدیکی با هم داشتند و با حمایت آمریکا بود که تاج و تخت شاه حفظ شده بود. شاه کاری را انجام می‌داد که آمریکا از او می‌خواست. از این رو ایران چیزی فراتر از یک هم‌پیمان آمریکا بود. اما مردم کشوری که او شاهش بود چنین چیزهایی را دوست نداشتند و نمی‌خواستند. از این رو در ایران نارضایتی وجود داشت. در عوض تقریباً سه سال در امارات متحده عربی کار کردم و پانزده ماه هم در تونس به یادگیری زبان عربی پرداختم. البته هجده ماه هم در عربستان حضور داشتم. اوایل سال ۱۹۷۹ و در آستانه سقوط شاه داوطلب سفر و خدمت در ایران شدم و در آگوست ۱۹۷۹ در سفارت آمریکا در تهران کارم را شروع کردم.

### \* مخلوطی از علائمی که ایران می‌دهد و پیشنهاد جدید البرادعی:

◀ در ۸ نوامبر ۲۰۰۹، آمریکا بر این نظر شد که ایران در باره پذیرفتن پیشنهاد البرادعی، مخلوطی از علائم می‌دهد که معلوم نمی‌کنند پیشنهاد را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد:

- سعید جلیلی دبیر شورای امنیت ملی ایران که طرف گفتگوی ۶ کشور با غرب بر سر پرونده اتمی ایران است، می‌گوید: ایران از گفتگو در باره پیشنهاد استقبال می‌کند و امیدوار است هرچه زودتر تکمیل شود.
- در همان زمان، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، به نقل از منابع دیپلماتیک که نمی‌خواهند نامشان برده شود، می‌گویند: ایران پیشنهاد می‌کند بجای آنکه یکباره ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم ۳/۵ درجه را تحویل روسیه دهد، نوبت به نوبت اورانیوم ۳/۵ درصد را بدهد و اورانیوم ۲۰ درصد را تحویل بگیرد.

## مغازله؟

صلح‌آمیز به کرسی نشاندن و این موفقیت برای دانشمندان و سیاستمداران ایران جای تبریک و تشکر دارد.»

◀ استراتفور ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹ (۲۲ آبان ۸۸) سخنان فیروزآبادی را این سان، ارزیابی کرده است:

- با توجه به سمت و موقعیت فیروزآبادی، او کسی نیست که بدون تجویز آیت الله خامنه‌ای، رهبر عالی جمهوری اسلامی، چنین سخنی را بر زبان آورد. سخنان او علامت اینست که ایران آماده پذیرفتن پیش‌نویس توافقی است که البرادعی تهیه کرده است. این طور می‌نماید که دولت ایران با ابهام‌سازی، بنا داشته است، فرصت بدست آورد و با استفاده از آن، در درون کشور، زمینه را برای قبول پیش‌نویس آماده کند.
- اظهارات فیروزآبادی حاکی از آنست که ایران آماده است پیشنهاد البرادعی را جزاً بپذیرد. شگفتی آور اینست که اظهارات او در باره مبادله اورانیوم ۳/۵ درجه با اورانیوم ۲۰ درجه، همراه شد با انتقاد او از روش دولت روسیه بخاطر تحویل ندادن موشک‌های S۳۰۰.

- استراتفور از نزدیک، کوششی را تعقیب می‌کند که در حکومت روسیه، ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر، و آلکسی کوردین، وزیر دارایی، و ولادیسلاو سرگف، مسئول برنامه‌گذاری، برای جلب سرمایه‌های غرب به بخشهای استراتژیک اقتصاد روسیه است. بدین خاطر است که روسیه از تحویل دادن موشک‌های S۳۰۰ به ایران طفره می‌رود.

اگر آمریکا و روسیه به توافق برسند که آسان نیز نیست، روسیه این موشک‌ها را به ایران نخواهد داد و تأسیسات اتمی ایران در صورت حمله آمریکا و اسرائیل به این تأسیسات، بی‌دفاع خواهند بود.

- در همان حال که روسیه سرگرم تدارک اسباب جذب سرمایه‌های خارجی است، اسرائیل در تدارک حمله احتمالی به تأسیسات اتمی ایران است.

- مسئولان ایران از واقعیت‌های بالا نا آگاه نیستند. اینست که سخنان فیروزآبادی که در مخالفت با یکچند از مسئولان دیگر (لاریجانی رئیس مجلس و لاریجانی رئیس قوه قضائیه و...)، از دید آمریکا، دلیل دیگری است بر اینکه گفتگو بر سر پرونده اتمی ایران، احتمال موفقیت دارد. ایران نیز می‌بیند که آمریکا در پی حمله نظامی به ایران نیست و می‌خواهد، به ایران، در گفتگوها بر سر اتم، فرصت و فضا بدهد:

### \* در گفتگوها بر سر اتم، آمریکا به ایران فضا و فرصت می‌دهد:

◀ در ۹ نوامبر ۲۰۰۹، استراتفور اطلاع داده است:

در ۹ نوامبر، آمریکا اعلام کرد که به ایران فرصت می‌دهد تا پاسخ خود را به پیش‌نویس توافق اظهار کند. این پیش‌نویس توسط البرادعی، در پی ۳ روز گفتگو تهیه شد که از ۱ اکتبر، در محل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، به عمل آمدند.

سفیر آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گلین داوینس، به خبرنگاران گفت: حکومت اوپاما می‌

خواهد به دولت ایران فضای بدهد تا بتواند پاسخ خود را به پیشنهاد تهیه کند. داوینس این سخنان را پس از آن اظهار کرد که نیویورک تایمز گزارش کرد که پزیدنت اوپاما، با وجود نفی پیش‌نویس توافق از سوی برخی از سران رژیم ایران، بر این نظر شده است که می‌باید به ایران فرصت داد. داوینس توضیح داد که ایران پیشنهاد را رد نکرده است و موضع‌گیری مخالفت آمیز در باره آن، غیر طبیعی نیست. هرچند مقامات ایران گفته‌اند احتمال نمی‌رود ایران پیشنهاد را بپذیرد، اما ایران هنوز پاسخ رسمی به پیشنهاد نداده است.

استراتفور بر این نظر است که حکومت اوپاما برای خود نیز می‌خواهد وقت بدست بیاورد تا که طرح‌های جانسین برای شکست احتمالی گفتگوها را تهیه کند. از جمله این طرح‌ها، یکی طرح حمله نظامی به ایران و دیگری متقاعد کردن روسیه و جلب موافقت روسیه و چین با وضع مجازات‌های سخت تر علیه ایران است. به ترتیبی که ایران از لحاظ دیپلماتیک و اقتصادی به انزوا درآید. گفتگوهای آمریکا و روسیه در همین هفته آغاز می‌شوند.

### \* در یاسالار مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا، می‌گوید: مجهز شدن ایران به بمب اتمی

موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد:

◀ در ۸ نوامبر ۲۰۰۹، در یاسالار مایکل مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا، در باشگاه مطبوعات آمریکا گفت است: برای من بسیار روشن است که مجهز شدن ایران به بمب اتمی، خطر برای موجودیت اسرائیل است.

در یاسالار مولن که با ژنرال اشکنازی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل دیدار و گفتگو می‌کند، توضیح داد که مسئله مجهز شدن ایران به سلاح هسته‌ای، برای اسرائیل، مسئله شماره یک و پرداختن به آن، از تقدم برخوردار است. با وجود این، در یاسالار مولن با روش دیپلماتیک که حکومت اوپاما بکار می‌برد، موافق است. هرگاه دیپلماسی به جایی نرسد، ارتش آمریکا آمادگی کامل برای حمله به تأسیسات اتمی ایران را دارد. ثبات خاورمیانه در گرو حل مسئله اتمی ایران به ترتیبی است که این کشور به بمب اتمی مجهز نشود. در همان حال، در یاسالار مولن می‌پذیرد که حمله به تأسیسات اتمی ایران منطقه را بی‌ثبات می‌کند.

### \* گزارش البرادعی - اخطار دو

رئیس جمهوری به رژیم مافیاهای - نیروگاه اتمی در گروگان روسیه:

◀ در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۹، باراک اوپاما، رئیس جمهوری آمریکا و دیمتری مدودو، رئیس جمهوری روسیه، در سنکاپور، در حاشیه کنفرانس سران دیدار کردند و با توافق به رژیم ایران اخطار کردند: ایران زمان زیادی برای پذیرفته پیشنهاد البرادعی ندارد. هرگاه

نپذیرد، مجازات‌های سخت تر وضع خواهند شد.

روزی بعد، احمدی نژاد گفت ایران به غنی‌سازی اورانیوم ادامه خواهد داد. و نیز در ۲۵ آبان، آینده نیوز خبر داده است که بدستور خامنه‌ای، خارج کردن اورانیوم ۳/۵ درجه از کشور متفی است.

◀ در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹، وزیر انرژی روسیه گفت: نیروگاه اتمی بوشهر، تا پایان سال جاری آماده بهره‌برداری نمی‌شود. بدین سان، بعد از گذشت ۱۵ سال از زمان انعقاد قرارداد، نیروگاه همچنان در گروگان روسیه است.

◀ در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹، محمد البرادعی گزارش خود را در باره برنامه اتمی ایران انتشار داد. در این گزارش آمده است که ایران به همه پرسشهای آژانس پاسخ نداده است.

◀ در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۹، رژیم مافیاهای نظامی - مالی گفته است: اورانیوم را به خارج از ایران منتقل نمی‌کنیم اما در داخل کشور ممکن است مبادله کنیم!

◀ در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۹، اوپاما ایران را به تحریم‌های اقتصادی تهدید کرد.

## ایران و آمریکا - ایران و عربستان، ایران و یمن، ایران و لبنان:

### \* سخنان مرکل صدر اعظم آلمان در کنفرانس آمریکا:

◀ در ۳ نوامبر ۲۰۰۹، استراتفور سخنرانی مرکل صدر اعظم آلمان را در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در ۳ نوامبر، بررسی کرده است:

- مرکل در باره برنامه اتمی ایران گفت: اندازه روا بینی ما در باره این برنامه می‌باید صفر باشد. او افزود: آلمان از مجازات‌های اقتصادی شدیدتر علیه ایران حمایت می‌کند. در دیدار با نتان باهو، نخست‌وزیر اسرائیل و سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، نیز، او بر همین موضع بوده است.

اما آمادگی آلمان برای حمایت از وضع مجازات‌های سخت تر علیه ایران کافی نیست. آلمان می‌باید روسیه را نیز با وضع این مجازات‌ها موافق کند.

- با توجه به این امر که مرکل چنین موضع قاطعی را در باره پرونده اتمی ایران اتخاذ کرده است، این پرسش محل پیدا می‌کند: اثر این موضع بر دولتهای ۵ + ۱ که طرف گفتگو با ایران هستند، چیست؟ این موضعگیری در متمایل شدن این دولتها به وضع مجازات‌های سخت تر اثر دارد. عوامل دیگر نیز وجود دارند که اثر موضعگیری مرکل را بیشتر می‌کنند:

۱ - آلمان، در اروپا، از لحاظ روابط اقتصادی با ایران، مقام اول را دارد. کارفرمایی‌های آلمان بزرگ و بسیاری از کارفرمایی‌های متوسط و کوچک در ایران منافع دارند. پس وقتی مرکل چنین قطع از لزوم تشدید مجازات‌ها سخن می‌گوید، به ایران است که هشدار می‌دهد غرب جبهه متحدی را در برابر آن کشور تشکیل داده است.

۲ - مرکل اروپا را نیز بر آن می‌دارد که در جبهه ضد ایران، شرکت کنند. او به اروپا می‌گوید: وقتی آلمان با داشتن چنین روابط اقتصادی، آماده شرکت در وضع و اجرای مجازات‌های



## یافته های جدید در باره نقش کیسینجر و لودین در معامله «اکتبر سورپرایز»:

انقلاب اسلامی: ترجمه مقاله ای را می خوانید که سومین مقاله نوشته روبرت پاری، حاوی یافته های جدیدش در باره «اکتبر سورپرایز»، یا معامله پنهانی میان فرستادگان خمینی - سران حزب جمهوری اسلامی (بهشتی، هاشمی رفسنجانی، خامنه ای) و فرستادگان ریگان - بوش، برای آزاد نکردن گروگانها تا بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۴ نوامبر ۱۹۸۰ است. این مقاله در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹ انتشار یافته است:

سرای سپرده به محرم ها که به زبان می آیند، یکی از منابع هستند که سر اکتبر سورپرایز را آشکار می کنند. ماجرای اکتبر سورپرایز حاکی از آنست که جمهوریخواهان، در قفای کارت، رئیس جمهوری وقت آمریکا، با ایرانیان ارتباط برقرار کرده اند و مانع از موفقیت کارت در کار آزاد کردن گروگانهای آمریکایی شده اند.

مدارکی که بر هم انباشته می شوند - از جمله اسناد دولتی و اظهارات بیشتر از ۱۰ شاهد - حاکی از آنند که ستاد تبلیغاتی ریگان تمسهای محرمانه ای با مقامات ایرانی برقرار کرده اند و با انجام معامله ای، مانع از آن شده اند که کارت بتواند پیش از انتخابات نوامبر ۱۹۸۰، گروگانها را آزاد کند. گروگانها، در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱، در لحظه پایان ادای سوگند از سوی ریگان، بعنوان رئیس جمهوری آمریکا، آزاد شده اند.

پیشاپیش خبر دادن از آزاد شدن گروگانها در آغاز ریاست جمهوری ریگان، حاصل تحلیل هوشمندانه بوده است و یا فرآورده شرکت در معامله ای کثیف و خیانت آمیز، بخاطر استفاده از گروگانهای آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری؟ در حقیقت، ۳ تن، یکی هانری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، و دیگری، مایکل لودین، از محافظه کاران جدید و سومی مایلس کولیند، افسر افسانه ای سیا، پیشاپیش می دانستند و به محارم خود گفته اند که گروگانها، نه پیش از انتخابات ریاست جمهوری که پس از آن و در آغاز ریاست جمهوری ریگان، آزاد می شوند. هر سه در «اکتبر سورپرایز» شرکت داشته اند:

• کولیند همان افسر سیا است که از سازمان دهندگان کودتا بر ضد نخست وزیر ایران، دکتر محمد مصدق، بود. در پی کودتای اوت ۱۹۵۳، مصدق زندانی و محمد رضا شاه به سلطنت بازگردانده شد. او در مصاحبه ای که در ۱۹۹۰ با من کرد، گفت: او و برخی از همکاران قدیمش در سیا، از جمله آرشینالد روزولت (از مقامات سیا که در ۱۹۸۰ برای راکفلر کار می کرد) در آنچه به گروگانهای آمریکایی در ایران مربوط می شد، با حزب جمهوریخواه، همکاری داشتیم.

کولیند گفت: بچه های قدیمی سیا نقشه خاص خود را برای رها کردن گروگانها، هم به حکومت کارتر و هم به ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری اسبق و هانری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق دادند. بعد از آنکه ماموریت کماندوها که حکومت کارتر برای رها کردن و بردن گروگانها از ایران، در آوریل ۱۹۸۰، شکست خورد،

## مغازله؟

است در سرکوب حوطی ها شرکت کند.

• حوطی ها در جوار منطقه سعدا، مجاور منطقه شیعه نشین نجران در عربستان، ساکنند. در نجران شیعه های اسماعیلی زندگی می کنند. با توجه به این امر که منابع نفتی عربستان در مناطق شیعه نشین قرار دارند، حساسیت دولت سعودی به حد اکثر است.

حوطی ها می گویند منطقه ای را در خاک عربستان تصرف کرده اند. دولت سعودی نیز می پذیرد که منطقه استراتژیک کوه دخان به تصرف حوطی ها در آمده است. استراتفور در گزارش - تحلیل ۱۳ نوامبر خود اطلاع می دهد که عربستان ۲۵۰ روستای مرزی را تخلیه کرده است. جمعیتی که تخلیه شده اند سر به ۱۷۵ هزار تن می زند. در همین روز، خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است بر اثر بمبارانها و جنگ زمینی، بیشتر از ۱۵۰ هزار یمنی آواره شده اند. کودکان فراوان می میرند و...

عربستان از مذهب و پول برای بسط نفوذ خود در منطقه استفاده می کرد اما از بکاربردن قوای نظامی خود در بیرون از مرزهایش پرهیز داشت. اما چون خود را با ایران مقابل می بیند، قوای نظامی خود را بر ضد حوطی ها بکار انداخته است. هواپیماهای عربستان روستاهای حوطی ها را بمباران می کنند و قوای زمینی عربستان به مرز به یمن گسیل شده اند.

• از دید عربستان، با توجه به وضعیت عراق، و استفاده ایران از حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین و حمایتش از حوطی ها، در جنگ شیعه و سنی، ایران دست بالا را پیدا کرده است. با توجه به این امر که ایران با حمایت از حوطی ها و منطقه ای که حوطی ها در آن به جنگ مشغولند و نیز با توجه به این امر که در این مناطق از قوای نظامی کلاسیک کاری زیادی ساخته نمی شوند، ناچار می باید تن راه حل سیاسی داد و راه حل سیاسی، امتیازهای قابل ملاحظه ای را عاید ایران می کند.

• باید منتظر شد و دید رژیم سعودی در جلوگیری از ایجاد یک نیروی مسلح از نوع حزب الله در شبه جزیره عربستان چه اندازه موفق می شود. البته موضوع تنها تگرانی عربستان بابت نفوذ ایران در یمن و ایجاد سازمانی از نوع حزب الله در این کشور نیست، با توجه به گفتگوهایی که کشورهای ۵ + ۱، به رهبری آمریکا، با ایران می کنند، یمن که چندان مورد توجه آمریکا نبود، اینک مورد توجه آمریکا و اسرائیل نیز شده است. همزمان با محاصره دریائی یمن توسط عربستان، آمریکا و یمن نیز توافق نامه همکاری نظامی برای مبارزه با تروریسم امضاء کردند. ایران خواسته است از موقعیت استفاده کند اما سبب شده است که فشار کشورهای عرب و آمریکا و اسرائیل به ایران افزایش یابد.

**\* افراد حزب الله لبنان برای دیدن دوره های تعلیماتی به ایران می روند:**

◀ در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۹، استراتفور، با استفاده از گزارش خبرگزاری فرانسه، گزارش تحلیلی را در باره رابطه ایران با لبنان و تعلیم نظامی دادن به افراد حزب الله منتشر کرده است:

جاسوسی هستند. وزیر خارجه آمریکا گفت این سه بی گناه هستند و از ایران خواست آنها را آزاد کند.

• با توجه به این امر که گفتگوهای کشورهای ۵ + ۱ با ایران ادامه دارند بی آنکه به نتیجه ای رسیده باشند، متهم کردن این سه به جاسوسی، بمعنای آنست که ایران می خواهد از وجود این سه در گفتگوها، استفاده تاکتیکی کند.

بنا بر منابع استراتفور، در ۲ نوامبر، شایع شده بود که یکی از سه زندانی، بمتابه بخشی از گفتگوها، قرار است آزاد شود. گفته می شد که ایران زیر فشار است برای این که با پیش نویس توافق که البرادعی تهیه کرده است، موافقت کند، از این رو می خواهد سه زندانی را در ازای کاهش فشار، آزاد کند. اما ایران آنها را متهم به جاسوسی کرد. این رفتار تحریک آمیز ایران حاکی از آنست که در گفتگوها، چیزی تغییر کرده است. ایران می خواهد بهائی را که آمریکا در ازای آزاد کردن این ۳ پیردازد، بازهم بیشتر کند. این اقدام ایران معلوم می کند فشار به ایران برای این که در باره برنامه اتمی خود با غرب گفتگو کند به اندازه کافی شدید نبوده است.

**\* تقابل رژیمهای ایران و عربستان بر سر شیعه های یمن که در جنگ با قوای دولتهای یمن و عربستان هستند:**

◀ در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹، استراتفور به تقابل رژیمهای ایران و عربستان بر سر شیعه های یمن پرداخته است:

• اقدام نظامی عربستان بر ضد شیعه های یمنی که بر ضد دولت یمن شوریده اند، اختطاری به ایران نیز هست: عربستان، برای قطع نفوذ ایران در منطقه، به هر کاری دست می زند.

• عبدالملک الحوطی، فرمانده شورشیان شیعه، در ۱۱ نوامبر، از عربستان خواست به تجاوزات نظامی خود به طایفه حوطی پایان دهد. حوطی ها می گویند در واکنش به تجاوزات نظامی عربستان، بخشی از خاک عربستان را در منطقه قطایر در ایالت سعدا را تصرف کرده اند. عربستان از شورشیان خواسته است عقب نشینی کنند و از ۱۰ نوامبر، ساحل یمن در بحر احمر را با قوای دریائی خود محاصره کرده است.

• جنگ در یمن تازه ترین برخورد ایران و عربستان در منطقه و بیاتگر رقابت ژئوپلیتیک این دو دولت در خاورمیانه است. اما این برخورد در مرز عربستان روی داده است و عربستان، با بکار بردن قوای نظامی خود، خواسته است نشان بدهد آماده بکار بردن قوای نظامی در درون و برون مرزهای خود هست.

در حقیقت، مداخله نظامی سعودیها در یمن، بر ضد حوطی ها، بخاطر تگرانشان از ثبات داخلی عربستان است. بعد از ترور ناموفق معاون وزارت کشور عربستان، دولت سعودی از آن بیم دارد که شورش حوطی ها به عربستان نیز سرایت کند. دولت یمن امکانات مالی و نظامی لازم را برای مقابله با حوطی ها ندارد. از این رو، از دولت ثروتمند عربستان خواسته

اقتصادی سخت بر ضد ایران است، کشورهای دیگر نیز می باید در وضع و اجرای این مجازاتها شرکت کنند.

۳ - با وجود این، برای اینکه مجازاتهای سخت تر وضع و اعمال شوند، نیاز به موافقت روسیه است. هرگاه روسیه رای ندهد، شورای امنیت نمی تواند مجازاتهای سخت را تصویب کند. و اگر غرب بخواهد خود مجازاتها را وضع و به اجرا بگذارد، برای مثال، به ایران بنزین نفروشد، موفق می شود اگر روسیه نیز حاضر به فروش بنزین به ایران نشود. بنا بر این، آنچه آمریکا از آلمان می خواهد اعلام مکرر آمادگی برای وضع و اجرای مجازاتهای سخت تر نیست، بلکه قانع کردن روسیه به شرکت در وضع و اجرای این مجازاتها است. قرائن حاکی از آنند که آلمان بنا دارد در متقاعد کردن روسیه، بکوشد.

**\* جلسه محرمانه رؤسا و مسئولان سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و مصر و اردن در باره ایران:**

◀ در ۱۳ نوامبر، خبرگزاری اسرائیلی DebkaFile co به نقل از منابعی آگاه دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، اطلاع داده است که در ۹ نوامبر، منیر داگان، رئیس اداره اطلاعات اسرائیل، موساد، و آموس یادلین، رئیس اداره اطلاعات نظامی اسرائیل، آمان، در جلسه محرمانه رؤسای سازمانهای اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل، مصر و اردن شرکت کرده اند. این دیدار در اردن انجام شده است. دستور جلسه وضعیت ایران و امکان جنگ در خاور نزدیک بوده است.

در جلسه، ژنرال محمد الرقاد، رئیس سازمان اطلاعات اردن و مقامات بلند پایه CIA و اداره اطلاعات وزارت دفاع آمریکا (Defence Intelligence Agency) و ژنرال عمر سلیمان، رئیس اداره اطلاعات مصر حضور داشته اند. بلافاصله پس از پایان جلسه، ژنرال سلیمان به عربستان سعودی رفته است تا که مسئولان اطلاعات این کشور را نیز نتیجه گفتگوها آگاه کند.

دبکا نیز از قول کارشناسان نظامی خود، توضیح داده است که این جلسه بی سابقه و فوق العاده محرمانه با حضور سران ادارات اطلاعات اسرائیل چند روز مانده به سفر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، به واشنگتن و گفتگوی محرمانه وی با باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، منعقد شده است. نتانیاهو در پاریس، در دیدار خود با نیکلای سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، وی را از نتایج جلسه محرمانه باخبر کرده است.

تنها موضوع بررسی در دیدار نتانیاهو با اوباما ایران بوده است. موضوع های دیگر (از جمله از سرگیری مذاکرات با ابن عباس و مذاکرات احتمالی با سوریه)، فرعی بوده اند.

**\* سه امریکائی که در توقیف هستند، متهم به جاسوسی شدند**

◀ در ۹ نوامبر ۲۰۰۹، استراتفور، متهم شدن ۳ امریکائی - که از مرز ایران و عراق عبور و وارد ایران شده اند - را به جاسوسی، بررسی کرده است:

• در ۹ نوامبر، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، اعلان کرد که سه امریکائی توقیف شده، متهم به



## مغازله؟

دیگر دنیا، قدرت امریکا را به بازی گرفته اند.

انقلاب اسلامی: بنی صدر، در کارنامه روزانه خود، چند نوبت توضیح داده است که هدف از گروگانگیری تغییر روانشناسی مردم امریکا از حالت انفعالی به حالت پرخاشگری و تجاوزگری است و ایران نباید مسئولیت این امر را بر عهده بگیرد، از جمله، در کارنامه ۱۳ آبان ۱۳۵۹ (۴ نوامبر ۱۹۸۰، روز انتخابات ریاست جمهوری امریکا) بنی صدر گفته است:

«...بعد نشستیم و مقداری در این زمینه ها فکر کردم. دیدم ۸ ماه پیش گفتیم: من نمی توانم مسئولیت تغییر روانشناسی جامعه امریکائی را به خشونت و مداخله جویی، بر عهده بگیرم. آنچه کرده ایم و آنچه کرده اند، کار را به اینجا رسانده اند: جریانی است که امروز نتیجه خود را به بار می آورد. و گمان من اینست که ریگان نه بعنوان جمهوریخواه در برابر دموکرات، بلکه بعنوان بیانگر تغییر روانشناسی جامعه امریکائی انتخاب می شود. چند روز پیش تر، به دوستان گفته بودم که تصمیم در باره گروگانها در زمانی و بصورتی اتخاذ شده است که بسود کارتر مؤثر نخواهد شد، بلکه به زیان او مؤثر خواهد شد.»

اگر بنی صدر در این روز و روزهای پیش از آن خبر از پیروزی ریگان داده است، بخاطر آن بوده که او از سازش پنهانی (اکتبر سورپرایز) اطلاع داشته است و اگر کیسینجر خبر از آزادی گروگانها بعد از شروع ریاست جمهوری ریگان داده است، بدان خاطر بوده است که او طراح گروگانگیری بوده و در معامله بر سر گروگانها، میان دستگاه خمینی و دستگاه ریگان، شرکت داشته است.

هر گاه خوانندگان به کتاب «نامه ها» مراجعه کنند، نامه ای از بنی صدر خطاب به خمینی را خواهند یافت که، در آن، آمده است که در پاریس، پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا، معامله ای بر سر گروگانها انجام شده است. نه در تاریخ انتشار کارنامه (۱۳ آبان ۵۹) و نه در تاریخ نگارش آن نامه به خمینی، در باره معامله اکتبر سورپرایز، کلمه ای انتشار نیافته بود.

اینک که ۳۰ سال است تحقیق در باره اکتبر سورپرایز ادامه دارد، هر ایرانی می باید متوجه اهمیت مهاجرت بنی صدر بشود. او در نخستین مصاحبه خود با بی بی سی، در روز ورود به فرانسه گفت: برای فاش کردن روابط ارگانیک میان خمینیسیم و ریگانیسیم به خارج از ایران، به صحنه اصلی مبارزه آمده ام. تحمیل خمینیسیم به ایران و ریگانیسیم به امریکا، فرآورده گروگانگیری شدند و فرآورده های دیگر را هم ببار آوردند. سالها گذشت تا نقش حکومت ریگان و حکومت تاجر و حکومت اسرائیل در طولانی کردن جنگ ایران و عراق (ایران گیت ها) و استقرار استبداد ملاتاریا و نقش دو حکومت ریگان و تاجر در پدید آوردن گروه طالبان و ... از پرده بیرون افتند.

گروه راکفلر با ویلیام کیسی، رئیس ستاد تبلیغاتی ریگان - بوش در ارتباط بود. و کیسی نقش اصلی را در معامله بر سر گروگانها، اکتبر سورپرایز، داشت. شماری از شاهدان می گویند کیسی با مهدی کروبی و دیگر ایرانیان دست اندرکار معامله بر سر گروگانها، محرمانه دیدار کرده است.

مدارک ستاد تبلیغاتی ریگان - بوش مسلم می کنند که میان گروه راکفلر و کیسی تماسها برقرار بوده اند. برای مثال، مدرکی نشان می دهد که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۰، راکفلر و چند تن از دستیاران او، با کیسی، در ستاد تبلیغاتی ریگان - بوش، در آرلینگتن واقع در ویرجینیا، دیدار کرده اند.

که دو نامزد، آرای نزدیک به یکدیگر دارند. لسلی استال، خبر نگار CBS گزارش کرده بود که تصادف نخستین سال روز گروگانگیری با انتخابات ریاست جمهوری، امریکائیان ناراضی از یک سال تحقیر را بر آن داشته بود به ریگان رای دهند.

این گزارشها بخاطر می آوردند مصاحبه کرونتکایت را با هانری کیسینجر. کرونتکایت گفته است، در این مصاحبه، هانری کیسینجر گفته بود: «ریگان بکاخ سفید می رود و گروگانها را به امریکا بر می گرداند. او شرط می بندد که گروگانها کمی بعد از آغاز ریاست جمهوری ریگان، آزاد می شوند. معنی سخن او این بود که هانری کیسینجر می باید فکر می کرده است که حاصل گفتگوهای طولانی این شده است که گروگانها با آغاز ریاست جمهوری ریگان آزاد می شوند.

همانطور که می دانیم، پیش گونی کیسینجر تحقق یافت و در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱، با پایان ادای سوگند ریگان، گروگانها آزاد شدند. اینطور نیز وانمود شد که شخصیت ریگان کار خود را کرد و گروگانها آزاد شدند.

اما، در آنچه به گروگانگیری و چند و چون آزاد شدن آنها مربوط می شود، هانری کیسینجر ناظری که از دور نظاره می کند، نبود. از آغاز، زمانی که او با رئیس جیس مانهاتان بانک، داوید راکفلر، کار می کرد، دست اندر کار گروگانگیری بود. راکفلر بانکدار محمد رضا شاه بود و به کارتر فشار می آورد اجازه ورود شاه را به امریکا، برای درمان بیماری سرطانش، صادر کند.

انقلاب اسلامی: در کتاب گروگانگیری، نوشته ابوالحسن بنی صدر، تحقیق یک محقق امریکا نقل شده است. بنا بر آن تحقیق، پزشکی که در نیویورک به مداوای شاه سابق پرداخته بود، متخصص بیماری او نبوده است. متخصص بیماری یک پزشک کانادایی بوده است. هرگاه براسی قصد مداوای شاه می بود، می باید او را به کانادا می بردند و یا پزشک کانادایی را به اقامتگاه او می بردند. شاه را به نیویورک برده اند زیرا طرح گروگانگیری را به ایران فرستاده و از طریق طرفهای ارتباط خود، بعنوان یک طرح انقلابی به دانشجویان خط امام منتقل کرده بودند. طراحان طرح هانری کیسینجر و راکفلر، پس از دیدار با اشرف پهلوی بوده اند:

بنا بر کتاب خاطرات راکفلر، نقش کیسینجر این شده بود که، در علن، سیاست خارجی حکومت کارتر، بخصوص نحوه اداره بحران ایران را انتقاد کند. همزمان، راکفلر نیز از طرق خصوصی، به کارتر فشار می آورد تا که با آمدن شاه به امریکا موافقت کند.

موافقت کارتر با ورود شاه به امریکا، عناصر رادیکال را در تهران برانگیخت که سفارت امریکا را اشغال کنند و اعضای آن را به گروگان بگیرند. همانطور که کویلند در مصاحبه اش با من گفت، در طول سال (از گروگانگیری تا روز انتخابات ریاست جمهوری امریکا)، هانری کیسینجر، صاحب نقش پشت پرده بود. کویلند به من گفت: «بسیاری از ما، من و هانری کیسینجر و آرشیبالد روزولت که آن هنگام در سیا بود، قویاً باور داشتیم که حکومت امریکا چنان ضعیفی از خود نشان داده است که مردم ایران و مردمان کشورهای

جمهوریخواهان به او گفتند: طراحی و اجرای طرح دیگری برای رها کردن گروگانها نا شدنی و غیر لازم است. کویلن گفت: این جمهوریخواهان به من این سر را سپردند که گروگانها بعد از پیروزی نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ۲ نوامبر آزاد خواهند شد.

انقلاب اسلامی: این امر که در ماه آوریل، مأموریت کماندوها شکست می خورد، در اول ماه مه خامنه ای به دیدار سهرنگ اسکات می رود و اسکات او را مایوس بر می گرداند و جمهوریخواهان در ارتباط با کویلن این سر را به او می سپارند که گروگانها بعد از انتخابات ریاست جمهوری امریکا آزاد خواهند شد. با توجه به این امر که سیاست یعنی تدبیر، محل تصادف و اتفاق نیست، همزمانی، رویدادها سخت گویا است. در ایران، آن ایام، بر بنی صدر، رئیس جمهوری، دانسته بود که جمهوریخواهان با رهبران حزب جمهوری اسلامی ارتباط گرفته اند. البته با یکی از طرفداران او در خارج از ایران نیز ارتباط گرفته بودند. بنی صدر نیدرپرفته بود چرا که با وجود دولت رسمی امریکا، حل مشکل گروگانها به ترتیبی که کارتر شکست بخورد، از هر نظر نادرست است. هم از نظر قانون هم از نظر اخلاق و هم از نظر مسئولیت بسیار سنگین حاکم کردن ریگانیسیم بر امریکا و بر جهان.

کویلن توضیح داد که «بجای در آزاد کردن گروگانها بمان نبود. زیرا نیکسون مثل هر کس دیگر می دانست آنچه ما می باید می کردیم این بود که صبر کنیم تا زمان انتخابات ریاست جمهوری برسد. پس از آن، گروگانها آزاد می شدند. این امر گرچه سری بود اما بر بچه های سیا معلوم بود که روی خواهد داد... یقین، دوستان اطلاعاتی و با مقامی در ایران ارتباط داشتند و با او به تفاهم رسیده بودند. اما بمن اعتماد لازم را نداشتند (و طرف ایرانی خود را معرفی نمی کردند)».

کویلن گفت: «طرفهای ایرانی در تماس با دوستان سیا به اینان گفته بودند ملاها گروگانها را به ریگان تحویل خواهند داد. آن زمان، از آنجا که سر و کار ما با شیطان بود، نمی توانستیم مطمئن باشیم. مگر از این امر که هرگاه کارتر نتواند گروگانها را آزاد کند، به ریاست جمهوری امریکا انتخاب نخواهد شد. و زمانی که ریگان به ریاست جمهوری جمهوری برسد، ایرانیها خوشحال می شوند از اینکه دست خود را از گروگانگیری می شویند و دوره جدیدی از روابط ایران و امریکا پدید می آید.»

کویلن حاضر نشد جزئیات بیشتری را به من بگوید. او تنها گفت: «سیا در سیا» که از دید او حافظان واقعی امنیت ملی امریکا بوده اند، با ایرانیها بر سر گروگانها به تفاهم رسیده بودند.

کویلن، پیش از آنکه من بتوانم مصاحبه دیگری با او بعمل آورم، در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۱ مرد.

### گویی بلورین کیسینجر:

کویلن، در آنچه به نقش کیسینجر در اکتبر سورپرایز مربوط می شد، نوداری بخرج می داد. حال آنکه کیسینجر در شمار جمهوریخواهانی بود که در پی آن بودند که گروگانها وقتی آزاد شوند که ریگان رئیس جمهوری شده باشد.

بعد از مرگ والتر کرونتکایت Walter Cronkite که زمانی دراز گوینده اصلی CBS بود، یکی از خوانندگان ما، بهنگام بررسی بایگانی کرونتکایت، گزارشهایی را می یابد که خبرنگاران CBS فرستاده بودند. این گزارشها در باره شب انتخابات بودند و توضیح می دادند که چرا برغم این که سنجش های افکار نشان می دادند

پوزش بخواهد و هیچگاه نخواست. من نمی خواهم بشنوم حرفی را که او بزند.»

وقتی من از سیل در باره قول لودین که او «کاملاً دروغ» گفته است، پرسیدم، سیل پاسخ داد: «لودین از چون و چرا دروغ بودن سخنی که اینک منکر می شود، هیچ نوشته است. و دروغ می گوید که من به او گفته ام پوزش بخواهم خواست. نه دلیلی برای پوزش خواستن وجود داشته است و نه او از من خواسته است پوزش بخواهم.»

سند دیگری بر ارتباط مایکل لودین با مورد «اکتبر سورپرایز» وجود دارد. سندی که در اختیار کمیته کنگره مأمور رسیدگی به «اکتبر سورپرایز» قرار گرفته بود، حاکی است که لودین و یک نو محافظه کار معروف دیگر، ریچارد پرل، در اجتماعات گروه «اکتبر سورپرایز» (یک گروه ۱۰ نفری که بنا بر قول ستاد تبلیغات ریگان - بوش مأموریت داشته اند اثر موفقیت احتمالی کارتر را در آزاد کردن گروگانها، پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا، ختنی کنند) ستاد تبلیغات ریگان - بوش، شرکت می کرده اند.

سند همچنین حاکی است که در اجتماع ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰ این گروه، که «طرح خلیج فارس» بمیان بوده است مقامات اول ستاد، از جمله کیسی و ریچارد آلن شرکت داشته اند. لودین نیز در اجتماع حاضر بوده است.

با اینهمه، بهنگام نگارش گزارش کمیته کنگره، نام و کارهای لودین، حذف شده است. بررسی واپسین گزارش را لورنس بارسلا، دوست قدیمی لودین، انجام داده است.

### پیوندها که سبب می شوند چشم بر حقیقت بسته شود:

پیوند بارسلا و لودین، از چندین دهه پیش شروع شده است. از زمانی آغاز شد که بارسلا خانه ای را به لودین فروخت. بنا بر کتاب مانهوت Manhunt نوشته ماس Mass، در مورد افسر سابق سیا، ادوین ویلسون، متهم به همکاری با لیبی، بارسلا دادستان بوده است. لودین، بخاطر پرونده ادوین ویلسون، در ۱۹۸۲، با بارسلا ارتباط گرفته است. لودین که بعنوان مشاور، برای وزارت خارجه امریکا کار می کرده است، بخاطر دو تن از شرکای خود، تد شکالکی و ریچارد ون ماربد، تکران بوده است.

سالها پیش، در مصاحبه با من، لودین گفت: «من به لاری گفتیم: «من نمی توانم تصور کنم که شکالکی (و یا ون ماربد) در ماجرائی که تو در باره اش تحقیق می کنی، شرکتی می توانسته اند داشته باشند. من سعی نمی کردم در او اعمال نفوذ کنم. ما جماعتی هستیم که برای درک امور بیکدیگر کمک می کنیم.» بارسلا نیز مراجعه خارج از مجرای قانونی را کاری نادرست نیافت. او به من گفت:

«لودین از من نخواست که پرونده را سمبل کنم. او از من نخواست این کار را بکنم و آن کار را نکنم. او تنها می خواست دانسته های خود را با من در میان گذارد.»

با وجود این، شکالکی و ماربد، از پرونده ویلسون بیرون گذاشته شدند. شکالکی، همبسته لودین، نیز در اکتبر سورپرایز، نقش داشته است. در ۱۹۸۰، او برای جورج بوش، نامزد معاونت ریاست جمهوری، کار می کرد و موضوع کار او، مسئله گروگانها بود.





## مغازله؟

۸۳- حاجی زاده، امیر علی، سردار سپاه - فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی  
۸۴- حاجی - حسینی - فرماندار کاشان و فرمانده نیروی مقاومت بسیج منطقه اصفهان  
۸۵- حاجیان فرماندار اصفهان و فرمانده سپاه منطقه اصفهان، سردار سپاه  
۸۶- حجازی، سید جعفر سردار سپاه، استاندار خوزستان  
۸۷- حسینی تاش - سید علی - رئیس دانشگاه امام حسین  
۸۸- حق طلب - احمد - سردار سپاه، رئیس حفاظت هوایی کشور  
۸۹- حقی، از سرداران سپاه در نیروی انتظامی. فرمانده گارد  
۹۰- حقیقت پور، منصور، سردار سپاه و استاندار اردبیل و مسئول سابق بازسازی عتبات و از فرماندهان سپاه  
۹۱- حیاتی سرهنگ سپاه و مدیرعامل هلال احمر قزوین  
۹۲- حیدری، غلامعلی، سردار سپاه فرمانده منطقه بسیج اصفهان  
۹۳- خالقی، حسین، سردار سپاه و معاون عملیات نیروی مقاومت بسیج،  
۹۴- خدابخشی، جمشید، سرهنگ سپاه پاسداران، فرمانده انتظامی در تهران  
۹۵- خورشیدوند، سردار سپاه، فرمانده انتظامی قم. او قبلاً فرمانده انتظامی استان کردستان بود.  
۹۶- دارابی، علی، سردار سپاه، عضو ارشد جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و معاون صدا و سیما  
۹۷- دارابی، از سرداران سپاه و از فرماندهان نیروی انتظامی.  
۹۸- دارابی، عیسی، سردار سپاه، فرمانده انتظامی استان خوزستان.  
۹۹- دانشجو، کامران، سردار سپاه، معاون سابق وزیر کشور، استاندار سابق تهران و وزیر فعلی آموزش عالی.  
۱۰۰- درجزی، غفور، سردار سپاه، عضو گروههای ترور خارج از کشور، مسئول حفاظت صدا و سیما  
۱۰۱- درخشنده، سردار سپاه، مسئول اطلاع رسانی فرماندهی نیروی انتظامی در تهران.  
۱۰۲- دشتی، سردار سپاه، مشاور عالی استانداری یزد  
۱۰۳- دهقان، حسین، سردار سپاه، رئیس سابق بنیاد شهید  
۱۰۴- دهقان - سردار سپاه - نماینده مجلس و جانشین ذاکانی  
۱۰۵- ذاکر اصفهانی، علیرضا، سردار سپاه رئیس مرکز بررسی های استراتژیک و استاندار فعلی اصفهان  
۱۰۶- ذوالفقاری، سردار سپاه و معاون سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی.  
۱۰۷- ذوالقدر نیا، حسن، رئیس سابق حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح و وزارت دفاع.  
۱۰۸- رثوفی نژاد، محمد، سردار سپاه، فرمانده لشکر کرمان، استاندار سابق کرمان، استاندار فعلی زنجان.  
۱۰۹- ربانی از فرماندهان سپاه پاسداران.  
۱۱۰- ربیعی، مصطفی، سردار سپاه - فرمانده دانشگاه افسری و پاسداری امام حسین  
۱۱۱- ربیعی - یدالله - معاون روابط عمومی سپاه  
۱۱۲- ربیعی قائم مقام فرماندهی نیروی مقاومت بسیج تهران  
۱۱۳- رجیبی معمار سردار سپاه و مدیر شبکه پنج سیما (شبکه تهران)  
۱۱۴- رزمجو - علی، سردار سپاه، مقام ارشد سپاه استان بوشهر  
۱۱۵- رستگار پناه، حس، فرماندهی قرارگاه حمزه سید الشهداء.

۱۱۶- رسولی، عباس، سرهنگ سپاه پاسداران و مسئول بسیج غرب تهران در درگیری های اخیر.  
۱۱۷- رشیدی، سرپرست معاونت سیاسی و امنیتی بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری  
۱۱۸- رضازاده سردار سپاه و استاندار فارس  
۱۱۹- رضایی، عیسی، سردار سپاه، مدیر عامل و عضو هیات مدیره موسسه سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان وابسته به مقاومت بسیج  
۱۲۰- رودکی، محمد نبی، نماینده مجلس، عضو مافیای نظامی - مالی، سردار سپاه.  
۱۲۱- روزبهانی، احمد، سردار سپاه رئیس پلیس امنیت اخلاقی نیروی انتظامی  
۱۲۲- رویانین سردار سپاه و رئیس راهنمایی و رانندگی سابق تهران، مشاور رئیس جمهوری و رییس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت.  
۱۲۳- زارعی، اصغر، سردار سپاه نماینده تهران در مجلس  
۱۲۴- زریبافان، مسعود، سردار سپاه، معاون رئیس جمهوری و رییس جدید بنیاد شهید  
۱۲۵- زندی، معاون کهریزک، عضو سپاه پاسداران.  
۱۲۶- ساروز، محمود، از اعضای سپاه پاسداران و معاون حراست صدا و سیما از اعضای انصار حزب الله.  
۱۲۷- سبزی، غلامرضا، سردار سپاه، عضو شورای شهر اهواز  
۱۲۸- سرفراز، محمود، سردار سپاه، از مدیران صدا و سیما، مدیر عامل خبرگزاری پرس - تی - وی.  
۱۲۹- سروری، پرویز، مسئول تبلیغات بسیج، و مسئول تبلیغات سپاه و مسئول تبلیغات سپاه در لبنان و سوریه، نماینده فعلی مجلس  
۱۳۰- سلطانی، سردار سپاه و عضو لشکر کرمان تحت نظر رثوفی نژاد که فرزند وی در قتل های کرمان شرکت داشت.  
۱۳۱- سلیمان مجید پور جانشین فرمانده دانشگاه امام حسین  
۱۳۲- سلیمانی رئیس سازمان بسیج کارمندان، کارگران و اصناف - سردار سپاه.  
۱۳۳- سلیمانی سردار سپاه فرمانده لشکر امام حسین (ع)  
۱۳۴- سلیمانی معاون بازرسی ستاد مشترک سپاه  
۱۳۵- سلیمانی سردار سپاه و معاون هماهنگ کننده نیروی مقاومت بسیج،  
۱۳۶- سلیمانی، قاسم، سردار سپاه، فرمانده نیروی قدس  
۱۳۷- سمیعان، جانشین فرماندهی سپاه استان اصفهان، سردار سپاه.  
۱۳۸- سوداگر سردار سپاه، از فرماندهان اطلاعات و عملیات سپاه  
۱۳۹- سیاح جلال سردار سپاه، معاون امنیتی و انتظامی استان سیستان و بلوچستان  
۱۴۰- سیف، امیر، سرهنگ سپاه پاسداران مستقر در نیروی انتظامی  
۱۴۱- شالیکار - علی فرمانده سابق لشکر کربلای مازندران، فعلاً فرمانده قرارگاه غدیر شمال کشور  
۱۴۲- شاه صفی، حسین، سردار سپاه، فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی در سال ۸۷  
۱۴۳- شاهچراغی، سید محمد تقی، سردار سپاه، فرمانده لشکر کربلای مازندران، فرزند حجت الاسلام

شاهچراغی نماینده ولی فقیه در استان سمنان. وی پیش از این فرمانده سپاه روح الله استان مرکزی و فرمانده منطقه مقاومت بسیج سپاه استان گلستان بوده است.  
۱۴۴- شبانی، سردار سپاه از فرماندهان سپاه پاسداران.  
۱۴۵- شریعتی، حسن، سردار سپاه از باند وابسته به سرکوب های خیابانی و نظامی که در درگیری های شهری شرکت موثر داشت.  
۱۴۶- شجاعی از فرماندهان سپاه پاسداران.  
۱۴۷- شعبان نژاد، بابک، فرمانده یگان حفاظت، سردار سپاه.  
۱۴۸- شفیق زاده، سردار سپاه و مدیر عامل مؤسسه مالی اعتباری مهر  
۱۴۹- شمس مظفر سردار سپاه و مدیر عامل شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران  
۱۵۰- شمشری، علی، رییس سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح  
۱۵۱- شوشتری فرمانده ستاد راهیان نور، سردار سپاه.  
۱۵۲- صابری، سیروس، سردار سپاه، معاون امنیتی استانداری قزوین و معاون امنیتی سیاسی استانداری قزوین  
۱۵۳- صادقی نیا، حسین، سردار سپاه از مسئولان نیروی انتظامی در انتخابات ریاست جمهوری  
۱۵۴- صبور، جواد، سردار سپاه و نماینده در مجلس هشتم و فرماندار دوره استانداری احمدی نژاد در اردبیل  
۱۵۵- صحرا رودی، جعفر، سردار سپاه، از اعضای باند ترورهای خارجی و داخلی.  
۱۵۶- صداقت، علیرضا، سردار سپاه و از نیروهای اطلاعات در بازرجویی و روانگردانی.  
۱۵۷- صفار هرندی، محمد حسین، سردار سپاه، عضو سپاه، روزنامه کیهان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشاور فرمانده سپاه  
۱۵۸- صفاری، مرتضی، سردار سپاه و فرمانده نیروی دریایی سپاه.  
۱۵۹- صفاریان نصب، اسماعیل، سردار سپاه که آن پول هنگفت را به ترکیه برد  
۱۶۰- صلاحی سردار سپاه و جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران  
۱۶۱- صلاحی، سردار سپاه و مشاور سابق احمدی نژاد در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و استاندار فعلی خراسان رضوی  
۱۶۲- ضراغی، عزت الله، سردار سپاه، عضو روابط عمومی سپاه در کنار لاریجانی، معاون وزارت ارشاد، معاون صدا و سیما و در حال حاضر رییس سازمان صدا و سیما.  
۱۶۳- ضیایی فر، فرمانده اطلاعات نیروی انتظامی  
۱۶۴- طائب، مهدی، حجت الاسلام، عضو شورای مرکزی رهپویان انقلاب اسلامی  
۱۶۵- طاهری، طه، با نام های مستعار مسعود صدر الاسلام، صالح، عضو سپاه پاسداران، سردار سپاه و رییس اطلاعات نیروی انتظامی در کنار محمد رضا نقدی و از سوی محرابیان مدیر عامل شرکت دخانیات و سپس از سوی احمدی مقدم جانشین ستاد مبارزه با مواد مخدر و قاچاق گردید  
۱۶۶- طاهری مطلق، سردار سپاه و رییس سازمان بنادر و دریانوردی

۱۶۷- ظریف منش، حسین، سردار سپاه و فرمانده دانشگاه جامع امام حسین.  
۱۶۸- عابد مسئول سابق قرارگاه خاتم الانبیا و سردار سپاه.  
۱۶۹- عباسی، حسن، سردار سپاه، رییس یکی از مراکز سپاه پاسداران و از دوستان احمدی نژاد که زمانی مشاور وی بود.  
۱۷۰- عبداللهی، علی، سرپرست نیروی انتظامی - سردار سپاه.  
۱۷۱- عبداللهی، علی، سردار سپاه، استاندار سابق گیلان و استاندار فعلی سمنان  
۱۷۲- عبداللهی، محتشم، سردار سپاه، مدیر مسئول نشریه یائثرات الحسین  
۱۷۳- عزیز زاده سردار سپاه و فرماندار شیراز  
۱۷۴- عرب، محمد، از معاونین نیروی انتظامی  
۱۷۵- عسگری از فرماندهان سپاه پاسداران  
۱۷۶- عطار زاده سردار سپاه و معاون فعلی آب و فاضلاب وزارت نیرو  
۱۷۷- عظیمی جاهد - علیرضا - معاون فرهنگی نیروی زمینی سپاه و دبیر ستاد راهیان نور.  
۱۷۸- عظیمی نیا، سردار سپاه و فرماندار یزد  
۱۷۹- علائی، سردار سپاه، مشاور عالی رییس ستاد کل نیروهای مسلح  
۱۸۰- علی پور، سردار سپاه، رییس پلیس امنیت تهران بزرگ.  
۱۸۱- علیجانی، محمد، از مدیران حراست، سردار سپاه.  
۱۸۲- علیزاده، یوسف، از فرماندهان سپاه پاسداران، سردار سپاه  
۱۸۳- علیزاده، سردار سپاه جانشین منطقه مقاومت بسیج  
۱۸۴- غلامرضایی سردار سپاه، معاون صدا و سیما در امور آموزشی، شریک در تهیه فیلم عاشورا  
۱۸۵- غیائی فرمانده بسیج استان خراسان رضوی که قبلاً در نیروی انتظامی مشغول به کار بوده است.  
۱۸۶- فتح قره باغ، پرویز، وزیر نیرو، سردار سپاه از اعضای وابسته به نیروهای نظامی، سیاسی  
۱۸۷- فتح آبادی، سردار سپاه، مشاور فرمانده ناجا و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر.  
۱۸۸- فدایی، حسین، سردار سپاه، عضو شورای رهبری جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی که سالها در بخش های مختلف سپاه مشغول به کار بود.  
نماینده مجلس است و در جریان کودتا مسئولیت زندان کهریزک را داشت.  
۱۸۹- فدعی، سردار سپاه، فرماندار اهواز  
۱۹۰- فدوی، علی، سردار سپاه و جانشین فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران.  
۱۹۱- فرجیان زاده رئیس سازمان بسیج فرهنگیان - سردار سپاه.  
۱۹۲- فرهادی - محمد - جانشین کمیته بسیج ستاد، سردار سپاه.  
۱۹۳- فرهنگ دوست، سردار سپاه، رییس بنیاد شهید یزد  
۱۹۴- فرهنگی، حسین، سردار سپاه و فرمانده نیروی انتظامی تبریز در جریانات حمله به دانشگاه آن شهر و در حال حاضر نماینده مجلس مافیها  
۱۹۵- فروزنده، احمد، از اعضای انجمن حجیه. او سال ۵۸ وارد اطلاعات سپاه شد. او مسئول خنثی سازی بمب و تله های انفجاری سپاه در

سالهای ۶۱-۶۳ فرمانده گشت های ثار الله سپاه در سال ۶۴-۶۵- عضو سپاه قدس و عامل برخی درگیری ها در عراق.  
۱۹۶- فروزنده - محمد - سردار سپاه، استاندار اسبق خوزستان، از وزرای سابق دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، رئیس اسبق بنیاد مستضعفین و عضو مجمع تشخیص مصلحت  
۱۹۷- فروزنده، محمد ابراهیم، سردار سپاه، مدیر عامل شرکت توسعه معادن روی  
۱۹۸- فروزنده، مسعود، قبل از انقلاب همکار هنری ساواک بعد از انقلاب از اعضای باند سپاه پاسداران.  
۱۹۹- فروزنده فرزند، برادر محمد و مسعود و احمد و فرهاد، از اعضای باند اطلاعاتی و نظامی مافیهای نظامی - مالی.  
۲۰۰- فروزنده فرهاد، برادر احمد و محمد از اعضای باند نظامی سپاه.  
۲۰۱- فصیحی فرمانده سپاه منطقه قم - حجت الاسلام سردار سپاه.  
۲۰۲- فضائی، احمد، از فرماندهان قبلی دانشگاه امام حسین و مشاور فرمانده سپاه ..  
۲۰۳- فقیه خراسانی، سردار سپاه، رییس شرکت فولاد ایلازی یزد  
۲۰۴- فلاح زاده، سردار سپاه، استاندار یزد  
۲۰۵- قاسمی، رستم، سردار سپاه و مسئول جدید قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا- مسئول سابق قرارگاه سازندگی نوح  
۲۰۶- قاسمی، سعید، سردار سپاه، معاون قرارگاه ثار الله.  
۲۰۷- قربانی، نادر، سردار سپاه، مشاور امنیتی استانداری اردبیل  
۲۰۸- قهراری سعید، فرمانده سابق الغدیر یزد و فرمانده ارشد سپاه یزد  
۲۰۹- کارگر، قاسم، سردار سپاه، رییس ناحیه مقداد بسیج.  
۲۱۰- کاظمی، مسعود، سرهنگ سپاه پاسداران  
۲۱۱- کاظمی قمی، حسن، سردار سپاه، سفیر ایران در عراق وی در دورانی معاون اطلاعات سپاه قدس بوده است.  
۲۱۲- کاظمینی، محسن، سردار سپاه، فرمانده لشکر ولی عصر.  
۲۱۳- دکتر کریمی نیا فرمانده دانشگاه امام حسین، سردار سپاه.  
۲۱۴- کریمی، حسین، فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی  
۲۱۵- کریمی، از فرماندهان سپاه پاسداران، سردار سپاه.  
۲۱۶- کریمی، محمد، استاندار ایلام، رییس مرکز تحقیقات سپاه پاسداران - سردار سپاه.  
۲۱۷- کریمی از سرداران سپاه در کرمان که پسرش در قتل های کرمان دخیل بود.  
۲۱۸- کریمی راد، محمد، سردار سپاه و از فرماندهان قرارگاه رمضان، در حال حاضر با عنوان دکتر محمد کریمی راد، نماینده کرمانشاه و نایب رییس کمیسیون امنیت ملی در مجلس مافیها است.  
۲۱۹- کریمی نماینده مجلس از کرمان و عضو هیات مدیره تیم فوتبال مس کرمان.  
۲۲۰- کریمی سردار سپاه، فرمانده توپخانه و موشکی سپاه.  
۲۲۱- کریمی فرمانده بسیج در استانهای فارس و خراسان رضوی و ...  
۲۲۲- کریمی قدوسی، جواد، سردار سپاه، نماینده مجلس از مشهد و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس  
۲۲۳- کشمیری، معاون رادان  
۲۲۴- کلاتر، سردار سپاه مستقر در نیروی انتظامی از حامیان باند سرکوب های خیابانی.





۲۲۵- کلاتتری از معاونان اطلاعات مستقر در نیروی انتظامی، سردار سپاه .  
۲۲۶- کمیجانی، رییس زندان کهریزک، سردار سپاه .  
۲۲۷- کوچک زاده، مهدی، سردار سپاه نماینده مجلس، عضو برجسته و سخنران گروه انصار حزب الله  
۲۲۸ - کوهکن، سردار سپاه، فرمانده مرزی نیروی انتظامی  
۲۲۹- گرانمایه پور، سردار سپاه، نماینده کاشان در مجلس  
۲۳۰- متولیان، مصطفی، سردار سپاه، معاون سازمان امر به معروف و نهی از منکر، رییس ستاد مردمی احیاء امر به معروف.

۲۳۱- محتاج، عباس، سردار سپاه از فرماندهان نیروی دریایی که بعدها استاندار قم شد و معاون وزارت کشور  
۲۳۲- محسنی، علی، سردار سپاه، معاون سازمان تعزیرات حکومتی  
۲۳۳- محصولی، صادق، سردار سپاه از نزدیکترین یاران سران کودتا که در پست وزارت کشور قرار داشت و به هنگام تقلب، کودتای انتخاباتی و سپس فرمان سرکوب مردم و معترضین نهایت بیرحمی و شقاوت را از خود بروز داد .  
۲۳۴- محمد نجار، مصطفی، سردار سپاه با این سوابق: حضور در کردستان و درگیری منطقه نقده، مسئول تعاون کل سپاه، مسئول منطقه خاورمیانه در سپاه، قائم مقام فرمانده سپاه، وزیر دفاع دولت احمدی نژاد. وزیر کشور در حال حاضر .

۲۳۵- محمدی، قائم، سردار سپاه، رییس روابط عمومی استانداری یزد  
۲۳۶- محمدی، عزیز الله، سردار سپاه و نایب رییس فدراسیون فوتبال کشور، رییس سازمان لیگ فوتبال  
۲۳۷- محمدی فر، مهدی، سردار سپاه و معاون پارلمانی سابق ناجا و معاون پارلمانی فعلی وزارت کشور  
۲۳۸- مرادی، بهروز سردار سپاه، فرمانده سابق لشکر ۱۹ فجر، در حال حاضر با عنوان دکتر بهروز مرادی استاندار فلی همدان  
۲۳۹- مستوفی، سردار سپاه در نیروی انتظامی بخش اطلاعات از حامیان بزرگ مافیای سرکوب های خیابانی.  
۲۴۰- مشایخی، مجید، سردار سپاه و رییس سازمان بسیج ورزش کشور  
۲۴۱- معمولی، سردار سپاه که مدتی مسول امنیت تهران در نیروی انتظامی بود.

۲۴۲- مقیمی، از سرداران و فرماندهان سپاه پاسداران .  
۲۴۳- ملاحی، سردار سپاه، رییس باشگاه ورزشی پاس تهران و اکنون صبا باطری قم .  
۲۴۴- منتظری، مهدی، سردار سپاه و رییس سابق حفاظت اطلاعات ارتش  
۲۴۵- منصوری، جواد، سردار سپاه، سفیر ایران در چین  
۲۴۶- منطقی سردار سپاه و مدیرعامل سابق ایران خودرو  
۲۴۷- مهدوی نژاد، سردار سپاه و فرمانده ارشد مراکز سپاه در استان قم .  
۲۴۸- مویدی، علی، سردار سپاه و فرمانده نیروی انتظامی منطقه فارس.

۲۴۹- میر احمدی، سردار نیروی انتظامی و عامل ایجاد درگیری در خوابگاه دانشگاه تهران  
۲۵۰- میر کاظمی، سردار سپاه، وزیر سابق بازرگانی و وزیر فعلی نفت  
۲۵۱- میراحمدی جانشین فرماندهی نیروی مقاومت بسیج سردار سپاه.  
۲۵۲- میربها، سعید، سردار سپاه، فرماندار قزوین

## مغازله؟

### مراحل زمانی ششگانه جنبش مردم ایران

۳ -

#### \* جنبش ایرانیان خارج از کشور

جنبش ایرانیان خارج از کشور نیز همبای جنبش مردم در داخل، در مراحل مختلف، تحولی کرد که به بررسی آن می پردازیم:  
• در مرحله اول، ایرانیان خارج از کشور نیز مانند برخی ایرانیان داخل کشور خواهان تحریم انتخابات بودند زیرا آنها نیز از استبداد حاکم بر کشور اطلاع داشتند و می دانستند رژیم حاکم بر ایران قابل اعتماد نیست. اما با گسترش حضور مردم در خیابانها و راه اندازی کارناوال های انتخاباتی، بخشی از آنها به این نتیجه رسیدند که اگر با آنها که در داخل کشور می خواهند در انتخابات هماهنگ شوند، بسا رژیم نتواند در انتخابات تقلب کند و کسی به ریاست جمهوری برسد که دست کم دست نشانده مافیاهای نظامی- مالی نباشد. آنها به اطمینان ها که به آنها داده می شد که شرکت در انتخابات مانع تقلب می شود و قانع شدن به جزئی از آزادی ممکن و خواستن تمام آن ناممکن است، در انتخابات شرکت کردند.

• در مرحله دوم، ایرانیان خارج از کشور همانند ایرانیان داخل کشور، متوجه شدند که اطمینان دادنها از سر بی اطلاعی بوده اند و تقلب بزرگ انجام گرفته است. بنی صدر که پیش از انتخابات گفته بود احمدی نژاد را از صندوق بیرون می آورند، در ساعت اول آشکار شدن تقلب بزرگ بر همگان، بیانیه ای صادر کرد، با این عنوان «تقلب بزرگ شما مردم ایران را به جنبش همگانی می خواند». جنبشی عظیم در داخل کشور پدید آمد و ایرانیان خارج از کشور حمایت از جنبش مردم را در دستور کار خود قرار دادند و در شهرهای کشورهای مختلف دنیا، اجتماعات بزرگ ترتیب دادند. افزون بر این، وسائل ارتباط جمعی کشورهای مختلف جهان را از فیلمها و خبرهای جنبش مردم ایران اشباع کردند.

در این مرحله، ایرانیان خارج از کشور به خصوص آزاداندیشان و سیاسیون با ترتیب دادن اجتماعات و شرکت در مصاحبه ها و انتشار مقاله ها ولایت مطلقه فقیه و هویت خامنه ای و رییس جمهوری منتصب او را بر جهانیان معلوم کنند. کار جوانان ایران در آن سوی مرزها به گونه ای بود که نشان می داد همان جنبشی که جوانان در ایران ایجاد کرده اند، آنان نیز، در بیرون از مرزها، پدیدار آورده اند. ایرانیان، همه با هم در پی پایان بخشیدن به استبداد در ایران هستند .

• در مرحله سوم، ایرانیان خارج از کشور دریافتند که، برغم جنبش همگانی مردم ایران، رژیم حاضر نیست به تقلب بزرگ اعتراف کند و با ابطال انتخابات، نشان دهد که برای رأی مردم، اندک ارزشی قائل است. این شد که دست به جنبش اعتراضی در اطراف سفارت خانه های ایران در کشورهای محل اقامت خود زدند. در

این مرحله، کار افشای کودتا و شرکت کنندگان در کودتا بود. این مهم را، با همکاری آگاهان در داخل کشور، ایرانیان خارج از کشور به انجام رساندند. برای مثال، مقاله بنی صدر در بیشتر از ۱۰۰ نشریه معتبر کشورهای مختلف جهان انتشار یافت. همراه با آن، شرح کودتا و چگونگی سازمان دادن به تقلب بزرگ، مدتها پیش از ۲۲ خرداد و شرکت کنندگان در این کودتا، در مطبوعات جهان انتشار یافت.  
• در مرحله چهارم بهمان ترتیب که جنبش در ایران گسترش یافت می یافت و خواستهای خود را دقیق تر و شفاف تر می کرد، در خارج از ایران، دو خواست به مردم ایران پیشنهاد شدند:

۱- « نه به ولایت فقیه و آری به ولایت جمهور مردم » و  
۲- «استقلال، آزادی، جمهوری»  
شعار دوم که در جلسه سخنرانی بنی صدر، موضوع بحث شد، توضیح شعار اول است: جمهوری یا ولایت جمهور مردم بر اصول استقلال و آزادی، استقلال ایران و استقلال و آزادی هر ایرانی، بمثابة خواست محوری مردم ایران، پیشنهاد شد.

در این مرحله، ایرانیان خارج از کشور دست به حمایتی بی نظیر از جنبش مردم ایران زدند: روزها و شب ها با تجمع در خیابانها و اطراف سفارتخانه ها و مراکز بین المللی و حقوق بشری از جنبش ایرانیان داخل حمایت کردند. با تشدید سرکوب مردم، با تهیه فیلم و تصاویر ایرانیان به قتل رسیده و به چاپ رساندن تصاویر آنها به خصوص ندا آقا سلطان و سهراب اعرابی مطبوعات و رادیو تلویزیونهای کشورهای محل اقامت را بر آن داشتند که، روز به روز، گزارشگر جنبش مردم ایران و سببیت رژیم شوند.

سیاسیون ایرانی و آزاداندیشان با برگزاری جلسات پی در پی مصاحبه و گزارش حمایتی بی مانند از جنبش مردم ایران را به نمایش در آوردند به گونه ای که نظام کودتایی در داخل از کشور برای جلوگیری از نمایش فیلم ها و مصاحبه ها و گفتگو ها و گزارشات دست به استفاده از هر روش ناجوانمردانه ای زد و با کنترل و کاهش سرعت اینترنت و فیلتر کردن سایت ها و نیز ارسال شبانه روزی بارازیت بر روی کانالهای ماهواره ای سعی کرد مانع از آگاهی مردم از فعالیتهای ایرانیان خارج از کشور شود. این در حالی بود که از شدت آسیبهای که انتشار بارازیت بر سلامت مردم وارد می کرد، کاملاً آگاه بود .

در این دوره زمانی تمامی ایرانیان با هر امکانی که در اختیار داشتند در حمایت از هموطنان خود در داخل تلاش بسیار کردند خوانندگان به سرعت با تهیه اشعار در رابطه با جنبش ایرانیان در سراسر جهان خبر کشتار جوانان را با زبان موسیقی و نقاشی، به گوش و چشم مردم جهان رساندند . فیلم سازان و کارگردانان با تهیه فیلم های مستند و انتشار آنها، جهانیان را به تعجب واداشتند. شاعران با سرودن اشعار ، نویسندگان با نگارش مقالات، سیاسیون با شرکت در مصاحبه ها و گفتگوها، اندیشمندان با نگارش متون افشاگرانه، مبارزان با ایجاد تحصن های پی در پی و برگزاری راهپیمایی های سراسری و... نشان

دادند که هرگز دست از حمایت ایرانیان داخل کشور برنخواهند داشت  
• در مرحله پنجم مشاهده می شود برای اولین بار ایرانیان خارج از کشور مانند برخی ایرانیان در داخل کشور وارد تجمع اعتراضی ای می شوند که تا آن روز با حضور در ان موافق نبودند. اما برای اینکه حمایت خود را از مردم در داخل کشور، نشان دهند، تا به جهانیان اطلاع دهند که مردمی که در روز قدس در ایران راهپیمایی می کنند همان معترضین به رژیم کودتا هستند.

• مرحله ششم آینده جنبش ایرانیان در خارج از کشور نیز همانند جنبش مردم ایران در داخل کشور، درگرو ادامه و گسترش جنبش است. ادامه و گسترش جنبش نیز در گرو روشن شدن هدف جنبش و رهبری ایست که توانا به بیرون بردن ایران از استبداد تاریخی باشد. جنبش ایرانیان خارج از کشور ایرانیان داخل کشور را مطمئن کرده است که جنبش آنها از حمایت آن برخوردار می شود.

انقلاب اسلامی: اینطور می نماید که رژیم برای از پای درآوردن مردم ایران، سلاح اقتصادی است که بیشتر از گذشته بکار گرفته است:

### مافیاهای نظامی - مالی، ویرانگر اقتصاد تولید محور و بانی جامعه بندگان است:

#### \* دولت ایران در ردیف اول دولتهای فاسد جهان قرار گرفت:

سازمان شفافیت بین الملل، که یک سازمان تحقیقاتی است، گزارش خود در مورد فساد در یکصد و هشتاد کشور جهان را منتشر کرده است . بنا بر این گزارش، موقیبت ایران از نظر گستردگی فساد در خلال یک سال گذشته بدتر شده و این کشور به رده هشتمین کشور فاسد جهان تنزل یافته است.

این گزارش شامل جدول "شاخص شناخت فساد" در یکصد و هشتاد کشور مورد بررسی سازمان شفافیت بین الملل است که به ترتیب، از سالم ترین تا فاسدترین کشورها طبقه بندی شده اند.

در جدول سال ۲۰۰۹، زلاند نو با در اختیار گرفتن رتبه اول، سالم ترین کشور جهان شناخته شده و در مقابل، سومالی، با اشغال رده یکصد و هشتادم، فاسدترین کشور معرفی شده است. در این جدول، ایران در میان فاسدترین کشورهای جهان، رده نهم را به خود اختصاص داده است.

• در رده های بعد از زلاندنو، کشورهای دانمارک، سنگاپور، سوئد، سوئیس، فنلاند، هلند، استرالیا، کانادا و ایسلند سالم ترین ده کشور جهان را تشکیل می دهند.

• در انتهای جدول هم، پس از سومالی، نام کشورهای افغانستان،



میانمار (برمه)، سودان، عراق، چاد، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و هائیتی به عنوان فاسدترین کشورهای ثبت شده است. ایران، ظرف یک سال، از رده ۱۴۱ به رده ۱۶۸ سقوط کرده است.

**\* «ایران» در فرار دادن مغزها، مقام اول را در جهان پیدا کرد:**

◀ در ۱۸ آبان ۸۸، میزان پرس، گزارش جدید صندوق بین المللی پول را درج کرده است: ایران رتبه اول را در آمار مهاجرت نخبگان از میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه نیافته دنیا کسب کرده است.

سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیلکرده به امید زندگی و یافتن موقعیت های شغلی بهتر از کشور خارج می شوند. این صندوق بین المللی در گزارش خود می افزاید که رقم خروج حدود ۱۸۰ هزار نخبه تحصیلکرده از ایران، به معنی خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور است.

طبق این آمار هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می کنند و طبق آمار رسمی اداره گدنامه، در سال ۸۷ روزانه ۳/۲ نفر با مدرک دکترا، ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، و صدها نفر با مدرک کارشناسی از کشور مهاجرت کرده اند.

این آمارها ی تکان دهنده - که واقعا فاجعه آمیز است - باید خواب را از چشم مدیران دولتی و مسئولان عالی رتبه کشور بریابد و "هم وغم" آنها این باشد که با برنامه ریزی اصولی و ایجاد فضایی مناسب زندگی در کشور جلوی این روند بنیان بر افکن مهاجرت نخبگان را بگیرند و با لاقط شیب صعودی مهاجرت نخبگان و تحصیلکردگان را کند کنند.

**\* هزار نفر ۷۰ درصد وامهای باز پرداخته نشده را که سر به ۵۰ هزار میلیارد تومان می زند، گرفته اند:**

◀ در ۲۵ آبان ۸۸، به گزارش دنیای اقتصاد، حسن ونایی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس مافیها گفته است: یکسری مطالبات معوق وجود دارد که سرفصل آنها ثبت نشده و دلیل ارائه آن رایزنی مشتریان در بانکها است؛ به طوری که تاریخ این تسهیلات را با هدف کاهش جریمه دیرکرد، به روز می کنند. ۷۰ درصد مطالبات معوق بانکها در برنامه سوم و چهارم توسعه به کمتر از هزار نفر شخصیت حقیقی و حقوقی و خاص تعلق دارد. رقم واقعی مطالبات معوق بانکها با چنین دلایلی بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است.

عدم اخذ وثیقه های معتبر و اخذ وثیقه هایی که قابل وصول نیست، وجود ارتباطات قوی با تصمیم گیران دلیلی است برای دریافت وامهای کلان که با عدم بازپرداخت مواجه می شود. شرکتی وجود دارد که بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است. کمتر از ۱۰ درصد تسهیلات پرداختی از محل حساب ذخیره ارزی به بنگاه های دولتی و خصوصی، وصول شده است.

**مغازله؟**

**\* چاه های نفتی ایران هر ساله ۱۳ درصد از توان استحصال خود را از دست می دهند و در ۱۶ سال آینده نیاز به ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد:**

◀ در ۲۵ آبان ۸۸، آفتاب یزد گزارش میزینس ماینر در باره صنعت نفت ایران، این سان نقل کرده است: ایران دومین ذخایر بزرگ نفتی جهان پس از عربستان و دومین ذخایر بزرگ گازی جهان پس از روسیه را در اختیار دارد. ولی در عین حال مصرف داخلی نفت و گاز در این کشور به شدت رو به افزایش است و فرسوده بودن تکنولوژی بخش نفت و گاز تاثیر منفی بر ظرفیت صادرات انرژی ایران داشته است.

بخش گاز ایران توسعه کافی نداشته و ایران فرصت مناسبی برای سرمایه گذاری در این بخش و افزایش درآمد دارد و از طرف دیگر کاهش قیمت جهانی نفت تاثیر منفی شدیدی بر اقتصاد ایران داشته است. علیرغم تشکیل حساب ذخیره ارزی برای حمایت از اقتصاد ایران در زمان کاهش قیمت نفت، منابع مالی این حساب بیشتر برای تامین هزینه های زیاد دولت طی سالهای اخیر استفاده شده است. تحریم های تجاری، بیشتر ایران و اقتصاد این کشور را تهدید می کنند و سرمایه گذاران بین المللی به شدت از این وضعیت نگران هستند.

قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی موجب دلگرم شدن بیشتر سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در ایران شده است. ذخایر نفتی ایران در سال ۲۰۰۸ به ۱۳۶ میلیارد بشکه رسیده که معادل ۱۰ درصد کل ذخایر نفتی جهان است. ایران با در اختیار داشتن ۲۸ هزار میلیارد متر مکعب ذخایر گازی، ۱۵ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد. این گزارش اضافه کرد: پیشرفت در زمینه خصوصی سازی همچنان ضعیف و کند است. شرکت های خارجی هنوز نمی توانند ذخایر نفت و گاز ایران را مالک شوند. قراردادهای بیع متقابل انگیزه کافی را برای سرمایه گذاری شرکت های خارجی فراهم نمی آورد. چاه های نفتی موجود ایران به علت بالا بودن عمر و تکنولوژی فرسوده هر سال ۱۳ درصد از ظرفیت تولید خود را از دست می دهند. میدان های نفتی ایران نیازمند سرمایه گذاری و تکنولوژی جدید است. ایران طی ۱۶ سال آینده به ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و گاز نیاز دارد.

◀ در ۲۳ آبان ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: عقب نشینی تدریجی در مقابل رقبای خارجی

سال هاست که از آن روزگاران می گذرد، و کم نبودند کسانی چون عالی نسب که دل در گرو تولید ملی سپرده بودند، اما داستان خلاف میل این عده رقم خورد و تولید ملی هر روز بیش از پیش در برابر تولیدات مشابه خارجی عقب نشینی کرد. کمتر بازاری است که محصولات متنوع خارجی زینت بخش آن نباشد. کالاهای صوتی و تصویری و لوازم خانگی سال هاست که قافیه را به رقبای قدرتمند خارجی باخته اند. کشاورزی و فعالیت های باغ داری در سراسر کشور سقوط قرار دارند. خودروسازی به لطف انحصارات تام خود همچنان نفسی می کشد، اما صنایع دیگر همچون فولاد، چوب و کاغذ، تولید واگن، نساجی و صدها مورد مشابه در بحران دست و پا می زنند. حتی موضوع به جایی رسیده است که برخی تولید کنندگان برای بقا مجبور شده اند جنس خارجی وارد کرده و با برند خود روانه بازار کنند. سید رسول دادوند، عضو انجمن تولید کنندگان چراغ های روشنایی در این باره می گوید: بخش زیادی از فعالان این عرصه، این محصولات را از کشورهای خارجی وارد کرده و فقط برند خود را بر روی آن نصب می کنند.

**\* فروش نفت با تخفیف ۸ دلار در هر بشکه!؟**

◀ در ۲۵ آبان ۸۸، تابناک از قول "آرگوس"، معتبرترین نشریه نفتی در دنیا، خبر داده است: شرکت ملی نفت ایران، برای تحویل محموله های نفتی خود به مشتریان در ماه دسامبر - آذر و دی ماه - نیز تخفیفی نزدیک به هشت دلار زیر قیمت، نسبت به شاخص های قیمت گذاری منطقه ای در نظر گرفته است.

شاخص فروش نفت خام میدان فلات قاره "سروش" برای تحویل در ماه دسامبر سال ۲۰۰۹ به مقصد منطقه آسیا - پاسفیک به میزان ۷.۹۵ زیر قیمت نفت سنگین شاخص دویی و عمان می باشد که این میزان تخفیف همچنان برای نفت سنگین میدان نفتی "نوروز" واقع در فلات قاره ایران به میزان ۷.۳۵ دلار در هر بشکه زیر شاخص قیمت گذاری خلیج فارس که بر اساس میانگین قیمت نفت سنگین دبی و عمان، قرار دارد.

این درحالی است که نفت میادین نفتی "سروش" و "نوروز" در خلیج فارس برای تحویل در منطقه مدیترانه و بر اساس قیمت فوب جزیره خارک همچنان به ترتیب ۵.۷۵ و ۵.۱۵ برای نفت سنگین میدان نفت "سروش" و ۵.۱۵ برای میدان نفتی نوروز زیر قیمت شاخص نفت خلیج فارس به مشتریان خارجی تحویل داده می شود.

انقلاب اسلامی: چنین تخفیفی سه علت می تواند داشته باشد: فروش نفت بیشتر از سهمیه مقرر توسط اوپک از سوی اعضا که سبب فزونی عرضه بر تقاضا می شود و رشوه ستانی و تخفیف به مشتریان که قراردادهای طولانی مدت برای خرید نفت امضاء می کنند. در مورد ایران، نیاز شدید به درآمد و فساد فراگیر، عامل این باج دادن ها هستند.

**\* جانشین کردن اقتصاد تولید محور با اقتصاد مصرف محور، روشی که مافیهای نظامی - مالی برای پر کردن جیب خود و سرکوب اقتصادی مردم و ایجاد جامعه بردگان برگزیده اند:**

**\* جانشین کردن اقتصاد تولید محور با اقتصاد مصرف محور، روشی که مافیهای نظامی - مالی برای پر کردن جیب خود و سرکوب اقتصادی مردم و ایجاد جامعه بردگان برگزیده اند:**

◀ در ۲۳ آبان ۸۸، ایلنا گزارش کرده است: عقب نشینی تدریجی در مقابل رقبای خارجی

سال هاست که از آن روزگاران می گذرد، و کم نبودند کسانی چون عالی نسب که دل در گرو تولید ملی سپرده بودند، اما داستان خلاف میل این عده رقم خورد و تولید ملی هر روز بیش از پیش در برابر تولیدات مشابه خارجی عقب نشینی کرد. کمتر بازاری است که محصولات متنوع خارجی زینت بخش آن نباشد. کالاهای صوتی و تصویری و لوازم خانگی سال هاست که قافیه را به رقبای قدرتمند خارجی باخته اند. کشاورزی و فعالیت های باغ داری در سراسر کشور سقوط قرار دارند. خودروسازی به لطف انحصارات تام خود همچنان نفسی می کشد، اما صنایع دیگر همچون فولاد، چوب و کاغذ، تولید واگن، نساجی و صدها مورد مشابه در بحران دست و پا می زنند. حتی موضوع به جایی رسیده است که برخی تولید کنندگان برای بقا مجبور شده اند جنس خارجی وارد کرده و با برند خود روانه بازار کنند. سید رسول دادوند، عضو انجمن تولید کنندگان چراغ های روشنایی در این باره می گوید: بخش زیادی از فعالان این عرصه، این محصولات را از کشورهای خارجی وارد کرده و فقط برند خود را بر روی آن نصب می کنند.

**• دولت واردات را برگزیده است**

گردوی چینی هم در بازارهای داخلی خودنمایی می کند. یکی از بنک داران میدان محمدیه (اعدام) تهران می گوید: مزه این گردوها شبیه صابون است ولی قیمت بسیار کم این گردوها در مقایسه با محصول ایرانی موجب شده که بسیاری از صاحبان رستوران ها برای تهیه غذاهایی چون خورش فسنجان به استفاده از این محصول گرایش پیدا کنند.

واقعیت این است که میزان واردات کالاهای مصرفی به کشور به حد بسیار نگران کننده ای رسیده است. ناتوانی دولت در تنظیم بازارهای داخلی سبب شده است که دولتمردان آسان ترین راه ها برای سامان دهی به این بخش، یعنی واردات را برگزینند. از همین روست که هر روز اقتصاد شاهد فربه تر شدن بیشتر وارد کنندگان و تجار در مقابل ضعف روزافزون تولید کنندگان است. فاجع گسترده کالا به کشور نیز با سیاست های دولت نهم و دهم همراهی کرده و ملقمه ای پدید آورده که جز ویرانی تولید ملی فرجامی نخواهد داشت.

**• سلطه افراطی ترین مافیها بر دولت سبب گشوده شدن دروازه ها بروی واردات شده است:**

**• سلطه افراطی ترین مافیها بر دولت سبب گشوده شدن دروازه ها بروی واردات شده است:**

فریبرز رئیس دانا، استاد اقتصاد نیز می گوید: عملکرد دولت نهم و دهم بیانگر سلطه افراطی ترین جریان راست اقتصادی در راس قوه مجریه است. علت نفی و حتی انکار جامعه مدنی از سوی اقتصاددان های راست گرا آن است که می خواهند در صورت خروج دولت از مداخلات اقتصادی، نهادهای شبه دولتی را جایگزین کنند. نهادهایی که در آن سرمایه داران وابسته که بابت خرید یک شرکت رقم نجومی پرداخت می کنند، وجود دارند. سرمایه دارانی که بدون ریسک، در جریان واگذاری کارخانه های دولتی به بخش خصوصی، صاحب کارخانجات شده و بدون توجه به قابلیت ها، با فروش آن به ثروت خود می افزایند، اما در نهایت همچنان از پایین بودن سرعت خصوصی سازی در ایران انتقاد می کنند. این گروه از سرمایه داران و اقتصاددان های وابسته به آنها، در حالی به غلط از پایین بودن روند خصوصی سازی در ایران اعلام نگرانی می کنند که بر اساس گزارش های بانک جهانی، ایران در خصوصی سازی رتبه نخست را به خود اختصاص داده است.

وی می افزاید: در حال حاضر شاهد راست گرانترین سیاست ها در مباحث اقتصادی هستیم. با وجود شعارهای مردمی که سر داده می شود، هیچ کدام از دولت های قبلی یارانه بنزین را حذف نکردند و از حذف سایر یارانه ها سخن نگفتند. از سوی دیگر موضوع اصلاح قانون کار نیز چندین بار مطرح شده و هنوز معلوم نیست سرنوشت آن چه شود. بهای مواد شوینده، نان، مواد لبنی، مسکن و حمل و نقل در همین مدت به شدت افزایش پیدا کرده است. دلایل این سیاست ها آن است که از نظر دیدگاه



## مغازله؟

عزیزان خود شدند. تعداد خانواده ها به بیش از ۱۴۰ نفر تخمین زده می شد و علاوه بر خانواده ها مردم برای حمایت از آنها به جمع خانواده ها می پیوستند.

در ۱۵ آبان ۸۸، به گزارش بی بی سی: اتحادیه روزنامه نگاران دانمارک از دستگیری نیلز کروگسگارد دانشجوی روزنامه نگاری اهل دانمارک "ظاهرا در ارتباط با تظاهرات روز چهارشنبه" خبر داده است.

در ۱۵ آبان ۸۸، به گزارش هرانا به نقل از واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، از روز ۱۳ آبان لغایت ۱۵ آبان برای ۴۰۰ تن از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات مردمی ۱۳ آبان ماه که به صورت دسته ای از پایگاهها و بازداشتگاههای موقت شهر تهران در طی این محدوده زمانی به زندان اوین انتقال یافته اند، کارتکس زندان (ثبت مشخصات) صادر شده است. این افراد عمدتاً به بندهای ۲۴۰ و قرنطینه اندرزگاه ۷ زندان اوین منتقل شده اند.

در ۱۵ آبان ۸۸، به گزارش شهزادنیوز: آیدا سعادت و الناز انصاری احضاربه‌ای دریافت کرده اند که طبق آن باید روز شنبه خود را به دادسرای عمومی و انقلاب تهران معرفی نمایند. این دو نفر از فعالان کمپین یک میلیون امضا می‌باشند. پیش از این نیز پنج نفر دیگر از کنگران کمپین به نام‌های خدیجه مقدم، کاوه مظفری، جلوه جواهری، مریم مالک و پریسا کاکایی به صورت کتبی احضار شدند. به برخی دیگر نیز احضار به دادگاه تفنی ابلاغ گردید.

در ۱۵ آبان ۸۸، گزارش شد که از وضعیت حمید عظیمی، سعید قاسمی، محمد اسعدی، کوروش یکا، علی مطلبی دانشجویان دانشگاه تفرش که در شب ۱۲ آبان، در خوابگاه توسط نیروهای امنیتی وابسته به سازمان اطلاعات اراک دستگیر شده اند، هیچ اطلاعی به دست نیامده است.

در ۱۵ آبان، به گزارش موج سبز آزادی: دکتر محمد ستاری فر، دپروژ در حال رفتن به خیاطی توسط نیروهای کودتاگر لباس شخصی با برخوردی به شدت زننده و سخیف به جرم اغتشاش گری به مدت سه ساعت بازداشت شد.

در ۱۶ آبان ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران: مطابق هر شنبه مادران به نشانه اعتراض به حوادث خونین بعد از انتخابات از ساعت ۱۷:۰۰ شروع به تجمع در میدان آب نمای پارک لاله کردند راس ساعت ۱۷:۰۰ یک مامور نیروی انتظامی با ۴ لباس شخصی به سراغ مادران آمدند و با لحن بسیار تندی به مادران گفتند سریعاً متفرق شوید وگرنه با شما برخورد می شود اما مادران اعلام کردند این کار هر هفته ما است پارک مکان عمومی است و شما حق خارج کردن ما را ندارید.

در ۱۶ آبان ۸۸، به گزارش نوروژ، دانشجوی اصفهانی به نام مهدی نیلفروش زاده، اهل اصفهان و دانشجوی ارمنستان بوده است. بر اساس اخبار تایید نشده، ماموران پس از شناسایی او در مراسم ۱۳ آبان، ظهر امروز به قصد بازداشت این جوان دانشجوی به منزل پدری او رفته و با او و خانواده اش درگیر شدند، در جریان این درگیری بهنام نیلفروش زاده با اسلحه نیروی انتظامی کشته شد.

سیمین چاپچی شاعر و نویسنده کرد به اداره اطلاعات این شهر احضار شده است.

در ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۸، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران اعلام کرد که ۴ نفر از اعضای رهبری سندیکای کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر توسط نیروهای امنیتی احضار و برای گذراندن دوران حبس بازداشت و به زندان دزفول منتقل شدند. علی نجاتی، رئیس هیئت مدیره سندیکا، نیز منتظر است که هر لحظه حکم زندان او را اجرا کنند.

در ۱۸ آبان ۸۸، به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، به دستور حفاظت اطلاعات زندان اوین، پس از گذشت سه سال از انحلال بند سیاسی در این زندان بار دیگر با انتقال دسته جمعی زندانیان سیاسی از سالنهای مختلف اندرزگاههای ۷ و ۸ این زندان به بند ۳۵۰ بند سیاسی - امنیتی در این زندان دایر شد.

در ۱۸ آبان ۸۸، دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در دومین روز پیاپی دست به اعتصاب غذا در سلف سرویس دانشگاه زدند. این اعتصاب غذا در اعتراض به دستگیری دو تن از دانشجویان این دانشگاه علی پرویز و سهیل محمدی، این بار در دانشکده علوم برگزار شد.

در ۱۸ آبان ۸۸، راحله عسگری زاده از فعالان کمپین در جنبش زنان از روز ۱۳ آبان ۱۳۸۸ در بازداشت به سر می برد. وی ۱۷ آبان ماه از بخش قرنطینه ی بند متادونی های زندان اوین با خانواده اش تماس گرفت.

در ۱۹ آبان ۸۸، به گزارش شبکه جنبش راه سبز (جرس): ما زیار خسروی سردبیر سایت "هم میهن"، با شکایت دانشگاه تهران به اتهام انتشار خبر حمله یگان های ویژه و گروه های سازماندهی شده لباس شخصی ها که رهبر جمهوری اسلامی نیز آن را "جنایت" توصیف کرده، محاکمه می شود. اتهام او نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت کشور است.

در ۲۰ آبان ۸۸، به گزارش هرانا، دکتر محمد شریف وکیل پایه ۱ دادگستری طی حکمی از طرف جمشید صالحی صدیقانی، مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه علامه طباطبایی، محروم از تحصیل شد.

در ۲۰ آبان ۸۸، دادگاه ۴۸ نفر از بازداشت شدگان تظاهرات روز ۱۳ آبان شیراز برگزار شد. سعید رضایی، احمد عارف، خبیر صفرپور، ایوب پورفتحی، احسان پورسلطان، ابوالاحرار، ... از جمله دانشجویان در بند در زندان عادل آباد شیراز هستند.

در ۲۰ آبان ۸۸، اطلاع حاصل شد که پس از برگزاری تجمع گسترده ی دانشگاه مازندران در تاریخ ۱۲ آبان ماه و ناکامی مامورین امنیتی استان در جلوگیری از این مراسم، طی یک سری اقدامات شتابزده ۵ تن از دانشجویان این دانشگاه بازداشت شدند.

در ۲۰ آبان ۸۸، سهیل نویدی یکتا، از دستگیرشدگان روزهای بعد از انتخابات قلابی، از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۷ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردیده است.

اقتصاددان‌های راست، همه چیز در بازار داد و ستد ارزش کالایی دارند. در این دیدگاه پرداخت بارانه هیچ جایگاهی نداشته و مانند لکه ننگی است که باید حذف شود. سرمایه‌داری فعلی مایل است ایران را به قلب سرمایه‌داری جهانی تبدیل کند. اینجاست که تلاش‌ها برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و حذف بارانه‌ها معنی پیدا می‌کند؛ چون سرمایه‌داری جهانی از پرداخت بارانه که با مالیات ارتباط مستقیم دارد، گریزان است و برای همین قرار است به نام پرداخت نقدی و ساماندهی، به تدریج بارانه‌ها در تابش آفتاب تورم تیخیر شده و خودبه‌خود حذف شود یا به دلیل پایین بودن میزان آن، مردم از دریافت آن چشم‌پوشی کنند.

### • هدفمند کردن یارانه‌ها کمر تولید ملی را خواهد شکست:

محبوب با اشاره به وجود صدها و بلکه هزاران واحد صنعتی بحران‌زده در کشور می‌گوید: تورم ۳ رقمی حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها صنعت را از کشور خارج می‌کند. وی با اشاره به تبعات این طرح می‌گوید: تورم حاصله قدرت رقابت را از صنایع ما گرفته و کالاهای مشابه خارجی، اکثر فریب به اتفاق صنایع ما را از دور رقابت خارج می‌کند.

کارشناسان با توجه به چنین نگرانی‌هایی اعتقاد دارند که با اجرای این طرح، ایران به بهشت واردکنندگان در دنیا بدل و تولید ملی از صحنه روزگار محو می‌شود. این عده با نگرانی این سوال را مطرح می‌کنند که آیا دولت دهم با دید باز و کافی تصمیم به شلیک تیر خلاص به شقیقه تولید ملی گرفته یا تصمیمات پوپولیستی که همچنان در برخی از اعضای این دولت به چشم می‌خورد، علت چنین تصمیمی بوده است؟

انقلاب اسلامی: چه جای شگفتی است سرکوب سبعانه نسل جوان کشور وقتی دولت در تصرف مافیاهای نظامی - مالی وابسته به غارتگران بین المللی است؟

## رژیم بر خشونت در تجاوز به حقوق انسان، و ایرانیان بر شجاعت خویش می افزایند:

در ۱۱ آبان ۸۸، در آستانه ۱۳ آبان و در ادامه برخورد با دانشجویان دانشگاه مازندران، سیاوش رضاییان، عضو شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران و اشکان ذهابیان دبیر سابق فراکسیون مدرن انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی شهر مشهد در شهر بابلسر بازداشت شدند

در ۱۱ آبان ۸۸، به گزارش ایرنا، ۴۵ کارگر شرکت بخش نظافت و فضای سبز شهر حاجی آباد هرمزگان در اعتراض به از دست دادن شغل خود







## جنبش آزادخواهانه مردم پیروز میشود اگر....(۷)

۱= دوران همکاری بسیاری از ایرانیان با حلفای عباسی که در مقاله قبل ذکر شد. ۲= دوران همکاری ایرانیان با مغولان. ۳= دوران همکاری ایرانیان با تیموریان و ۴= دوران همکاری و وطن فروشی برخی از زمامداران و رجال و مسئولین ایرانی با روس و انگلیس و آمریکا تا به امروز که این همکاری موجب تجزیه و نفی استقلال و آزادی ایران شده است و ایران و ایرانیان را از حقوق ملی و حاکمیت مردم بر سرنوشته خویش محروم ساخته است.

نفی استقلال و مداخله دادن اجانب در امور ایران توسط بخشی از مقامات نالایق و رجال و نخبگان بیگانه پرست ایرانی از سال ۱۸۰۱ میلادی بعثت سرازیر شدن استعمارگران روس و انگلیس به ایران گسترش یافت. سرجان ملکم اولین مأمور ورزیده امپراطوری انگلیس بود که توانست با صرف مبالغه هنگفت فتحعلیشاه قاجار و دیگر زمامداران و سرداران را خریداری کند و به سیاست مصیبت بار خود در مورد ایران جامه عمل به پوشاند.

وقتی ناپلئون در صدد بود تا در اوج قدرت با شاه ایران بر علیه انگلیس وارد عمل شود سرجان ملکم، فتحعلیشاه را مجبور ساخت تا این حکم را امضاء نماید « در این هنگام که با دولت انگلیس و فرمانفرمای کل هندوستان عقد اتحاد و مودت بسته شده است، باید بدانید هر گاه کسی بخواهد از طرف ملت فرانسه در حدود و اطراف قلمرو و یا در سواحل و یا بنادر و در سرحدات ایران وارد شود، بموجب این فرمان، بهیچ وجه نباید بگذارید داخل ایران شوند و شما مجاز هستید و حکم دارید به آنها توهین کنید و به قتل برسانید و از وظایف مهم شما است که به عمال سیاسی و تجاری و بستگان حکومت هندوستان که از جانب دولت انگلیس می باشند با دوستی و یگانگی رفتار کنید...» (۱)

در این ایام سر سپردگی بخشی از رجال به خارجیان و نقش خارجی در سرنوشته ایران آنقدر رونق می یابد که بعد از مرگ محمد شاه قاجار برخی از آنان برای بقدرت رسیدن دست به دامن سفارت بریتانیا در ایران میشوند. میرزا آقاخان نوری برای رسیدن به مقام صدر اعظمی ناصرالدین شاه از بیرون تهران به فرانت وزیر مختار بریتانیا نامه نوشت و از او یاری خواست تا برای رسیدن به آن مقام از او حمایت نماید. عباس امانت می نویسد: فرانت که از هواداری نوری از انگلستان با اطلاع بود ارزش نامزدی کار آمد چون او را برای صدارت و نیز نفوذ فراوانش را در لشکر به روشنی می دید. پس بی درنگ وی را به مهد علیا توصیه کرد و نوشت « حضور فردی مانند میرزا آقاخان نوری در حکومت ایران بسیار اساسی است...» (۲)

برخی از روحانیون آن دوره مثل امام جمعه تهران همچون امروز که در نظام ولایت فقیه شاهد آن هستیم در خدمتگزاری به اجانب ید طولایی داشته اند و از نامزد بریتانیا یعنی میرزا آقا خان نوری برای مقام صدارت حمایت می کنند. عباس امانت می نویسد: بدتر از همه می دیدند که انگلیسی ها همکاری و توافق دو تن از علمای تراز اول پایتخت را نیز برای صدارت نامزد خود به دست آورده اند. فرانت از احساسات و حسن نیت این مجتهدان عظام در حق بریتانیا بسیار خوشنود بود. (۳)

در ادامه همکاری تنی چند از عمامه داران با دولت فخیمه بریتانیا است که آیت الله کاشانی و بهبهانی و محمد تقی فلسفی و برخی دیگر از معتمنین با انگلیس و آمریکا بر علیه دولت مصدق همکاری می کنند تا موجبات سقوط دولت ملی این مرد وطن پرست که برای احقاق حقوق ملت مظلوم ایران مبارزه می کرد را فراهم آورند و بدین طریق در کودتای ننگین سال ۱۳۳۲ شرکت نمودند. و در هفتمین دور انتخابات ریاست جمهوری به سال ۱۳۷۶ که رقابت بین ناطق نوری و محمد خاتمی بود آقای محمد جواد لاریجانی از طرف ناطق نوری مأمور شد تا دوان دوان به لندن سرازیر شود و از آقای نیک برون یکی از مسئولین ارشد وزارت امور خارجه دولت فخیمه بریتانیا میخواهد تا در این انتخابات از آقای ناطق نوری حمایت کند.

برای اثبات این واقعیت تلخ که بخشی از رجال ایرانی بدنبال قدرت پیوسته در پی خارجیان روان هستند و به آنان اتکاء می نمایند می توان صد ها مدرک و سند پیدا کرد. کافیت به خاطرات برخی از ایرانیان و رجال سیاسی ایرانی و همچنین خارجیانی که به ایران سفر کرده اند و یا در ایران مأموریت داشته اند نظر بیاندازیم تا متوجه شویم که چگونه در دو قرن گذشته براحتی ابرقدرتها با خریدن مثنی از رجال بی وطن در ایران نفوذ کرده اند و با تشکیل شبکه وسیعی از روحانیون، نخبگان و زمامداران در امور ایران مداخله کرده اند. حضور این نوع رجال و نخبگان در سطح جامعه است که علیرغم بیش از صد سال مبارزه مردم ایران زمین برای زیستن در استقلال و آزادی هنوز باید ایرانیان زیر پای مثنی دیکتاتور و حامیان رنکارنگشان له شوند و از ابتدائی ترین حقوق شان محروم باشند. بطوریکه در قرن بیست و یکم حتی نوع لباس پوشیدن مردم ایران را مرتجعینی مثل جنتی، احمدی نژاد، ابوالقاسم خزعلی، سیدعلی خامنه ای، مکارم شیرازی، محمد یزدی و مصباح یزدی و سرداران سپاهی همچون نجار، عزیز(محمدعلی) جعفری، یدالله جوانی، عراقی، فیروزآبادی، محصولی و ..... تعیین میکنند.

اگر امروز در سرزمین ثروتمند ایران ملتی تحت ستم و در فقر فرورفته زندگی را به سختی سپری می کند مسبب اصلی اش همین سیاستمداران و باصطلاح نخبگان دزد و خائن اند که همواره برای ملت اشک تمساح می ریزند و مردم را در عقب ماندگی و سیه روزی نگاهداشته اند و برای

رسیدن به غنا و طلا و قدرت هنری جز خیانت به استقلال و آزادی ایران و ایرانیان نداشته اند و ندارند.

لرد کوزن وزیر خارجه انگلستان در مورد این سیاستمداران چنین می نویسد: امرا معاش اینها اغلب از طرق غیر مشروع و منابع غیر مجاز می گذرد(یعنی از راه فساد و رشوه خواری و جاسوسی علیه مملکت خود). اوقات آنها تماماً صرف دسیسه و پشت هم اندازی است، آنها برای یک مقصود فقط، یعنی پول و مقام و بدست آوردن ثروت. این طبقه جز تملق و چاپلوسی و خیانت به مملکت خود چیزی یاد نگرفته اند. اینها مردمان فرومایه و محیل و نادارستی می باشند. چه بسا دیده شده است اشخاصی که دارای ثروتی نبودند، همینکه به یک مقامی رسیدند، دارای همه چیز شده اند. قصر عالی، نوکر و دستگاه محلل و زندگی شاهانه درست کردند. روح ملی و وطن پرستی در نهاد آنها پیدا نمیشود. (۴)

در قرن نوزدهم در زمانی که روسها و انگلیسها برای بلعیدن منابع ایران با هم به رقابت می پرداختند این فرومایگان در هر لباس و مقامی که بودند با دریافت رشوه به اجانب امتیاز داده و شروع به وطن فروش می نمودند. شوق و ذوق رفتن به اروپا و تفریح و تفرج در انگلستان و سایر کشورهای اروپا و گرفتن چند لیره حق الامتیاز جلو چشم و گوش زمامداران ایران را بطوری که خواهیم دید چنان گرفته بود که یکجا تمام مملکت را به انگلیس و روس فروختند.

از در دوران میرزا علی اضهر خان امین السلطان و بعد از سفر سوم ناصرالدین شاه ۱۳۰۶ هجری قمری ( ۱۸۸۹ میلادی) به فرنگ است که بخش عظیمی از رجال و مقامات ایران بطور بی سابقه ای با اعطاء امتیازات وافر به اجانب شروع به وطن فروشی کردند. در این زمان حضور خارجیان محدود به امور سیاسی و نظامی نبود بلکه دامنه آن به امور اقتصادی هم رسید و در بازارهای تجاری و شهری انعکاس یافته بود.

ناظم السلام کرمانی در این باب می نویسد « در پنجاه سال سلطنت آنچه تصدیق شده هشتاد و سه مقاولات تجارته و سیاسی و سر حدی و امتیازی با دول و اتباع خارجه بست در جمیع آنها ایران مغبون گردید سی و پنج از آن مقاولات و امتیاز نامها بقوت رشوت و اخذ پیکش چشم بسته بصره رسید که من جمله امتیاز رژی و بانک شاهنشاهی انگلیس و روس و اجازه راه آهن و شوشه که مضارش برهر ذی جنسی پوشیده نیست» (۵)

درست است که در دو قرن گذشته تاریخ بما می گوید هر تحول بزرگی که در ایران رخ داده است نقش قدرتهای خارجی و چه بسا در گیری آنان و دخالتشان در امور ایران بی تاثیر نبوده است ولی برای آنکه تاریخ برایمان حکم لالائی نداشته باشد باید بدون تعصب از تاریخ با همه نیک و بد هایش آموخت و درس عبرتی برای ما باشد. این درس عبارت از اینست که تنها نباید نقش خارجی را عمده کنیم و تمام فلاکت خود و کشورمان را از

چشم آنان ببینیم، زیرا آنان در هر کجا و هر زمان بدنبال منافع و مصالح کشور خویش اند. این بدین معنی نیست که می خواهیم توجیه گر اعمال مداخله گرایانه و چه بسا سلطه گرانه آنان باشیم و به آنان حق بجانب بدهیم. بلکه هدف اینست که نسبت به نقش خود بعنوان یکی از اعضاء جامعه ایرانی و بویژه نقش برخی از نخبگان و رجال سیاسی وطنی که روح ملی و وطن پرستی در ذات اشان پیدا نمی شود آگاه باشیم و آنها را از نظر دورنداریم. ما هستیم که به دیگران اجازه می دهیم بر ما مسلط شوند و از ما سوء استفاده نمایند. این حکم هم در روابط شخصی و هم در روابط اجتماعی و کشوری و هم در روابط بین المللی صادق است. یکی از علل شکستهای پیاپی جنبش های ضد استبدادی و آزادیخواهانه مردم ایران کمبود رجال و زمامداران وطن دوست و آزادیخواه بوده است. از دوران فتح علیشاه اکثر مقامات مملکتی یا وابسته به انگلیس بوده اند و یا وابسته به روسیه و یا به آمریکا و یا در نهایت مستبدینی بوده اند که با محوری کردن بیگانگان در امور کشورمان هم ایران و هم زندگی ایرانیان را در گرو خارجیان قرار داده اند تا قدرت خود را حفظ نمایند و همین مقامات هستند که باج ها و امتیازات کلانی را به بیگانگان واگذار نموده اند و می نمایند تا بتوانند در قدرت باقی بمانند و مردم را از حقوق انسانی و ملی خود محروم سازند. انعقاد معاهده گلستان در تاریخ ۱۸۱۲ میلادی و امضاء عهد نامه ننگین و اسارت آمیز ترکمان چای در تاریخ ۱۸۲۷ که بعد از این عهد نامه است که استقلال ایران تقریباً از بین رفت و ایران بصورت کشور تحت الحمايه روس در آمد و این حالت بمدت ۹۰ دسال تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ادامه داشت. برقراری مجدد کاپیتولاسیون یا مصونیت قضائی پرسنل آمریکائی در سال ۱۳۴۲ از طرف محمد رضاشاه پهلوی و اعطاء بحرین به بریتانیا در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ ( مرداد ۱۳۵۰) توسط همین پادشاه و نخست وزیرش امیر عباس هویدا، بحرینی که سال ۱۳۳۶ رسماً بعنوان چهاردهمین استان کشور معرفی شده بود. و معاملات پنهانی آقای خمینی با ریگان و جرج بوش معاون او بنام اکتبر سورپرایز و ایران گیت و امضاء قرارداد تگینی با آمریکا در پی آزاد کردن گروگانها که امضاء کننده آن آقای بهزاد نبوی گفت من بدستور امام قرار داد وثوق الدوله دیگری را امضاء کرده ام. باج و خراج دادن سید علی خامنه ای به چین و روسیه و چشم پوشی او از منافع ایران در دریای خزر، خود نمونه های کوچکی از این امتیازدهی و باج دهی می باشند. پس باید با تحلیل های نادرست که همه چیز را از چشم بیگانگان می بینند و با این قضاوت که مثلاً بیگانگان بما ایرانیان حسد می برند و نمی گذارند ما پیشرفت کنیم مرز بندی کرد و با کنکاش و ذهن خلاق

بدنبال شناخت پایه های قدرت استبداد باشیم. اگر عین جانی دالر (کارگاه معروف پلیس) پیوسته در جستجوی قاتلی باشیم، و همه چیز را بگردن دیگران بیاندازیم این بدین معناست که خود را نالایق و ناتوان انگاشته ایم و وجود ذی جود خود را نفی کرده ایم و در این صورت قبول داریم که یک فرد و یا یک جامعه بی هویتی هستیم که رهبری خود را به دیگران واگذار کرده ایم و همچون بندگان و بردگان افسار خود را به دیگری واگذار نموده ایم تا آنان هر قسمی که دوست دارند با ما رفتار نمایند. این عمل و خصوصیت برای یک ملت بزرگی مثل ملت ایران شرم آور است. سؤال اینست که آیا فساد مزمن سیاسی و اداری و اقتصادی و اجتماعی ایران چه در حکومتهای پیشین و چه در جمهوری اسلامی علتش بیگانگان هستند یا وطن فروشان خود گامه ای که با وعده وعید تو خالی نویدهای بزرگی را به مردم می دهند بدون آنکه در فکر مردم باشند؟ آیا خارجیان عامل فرو ریختن مبانی اخلاق جامعه و واپس ماندگی عمومی جامعه هستند؟ یا جاه طلبانی که با همکاری و دفاع از مستبدینی چون محمد رضا پهلوی و خمینی و خامنه ای به حقوق حقه مردم تجاوز می کنند و همین امروز تعدادی از آنان چه در داخل و چه در خارج از کشور در لباس ضدیت با احمدی نژاد با تائید قانون اساسی جمهوری اسلامی که مردم را رسماً در شمار صغار و محجورین قلمداد می کند بعنوان مختلف خواهان جلوگیری از پیشروی جنبش آزادیخواهانه مردم ایران هستند. آیا خارجیان هستند که مبنای خود را بر تباهی جان و عمر و اندیشه و ثروت ایرانیان گذاشته اند یا قدرت طلبانی که کشور را ملک شخصی خود می دانند و با این همه درآمدهای هنگفت نفتی موجب فقر روز افزون مردم هستند. آیا بیگانگان با سیاستهای اقتصادی ورشکسته و واردات بی رویه موجب ورشکستگی ایران و بسته شدن صنایع و کارخانجات و بیکاری خیل عظیم کارگران و زحمتکشان و دیگر مردم بی پناه شده اند یا سرکوبگرانی که رای مردم را می دزدند و مردان و زنان ایرانی را در زندان مورد شکنجه و تجاوز و اعدام قرار می دهند. تشنگی سیری ناپذیری آنها به مال اندوزی باعث میشود چنان به چپاول و غارت دست زنند که تو گویی سر زمین اجانب را اشغال و تسخیر کرده اند. داریوش همایون در مورد رضا شاه می نویسد: کشور را ملک شخصی فرمانروا انگاشتن، که یک سنت باستانی حکومت در ایران است، ادامه یافت به حدی که شاه از هیچ به مقام یکی از بزرگترین زمینداران کشور در آمد. و در جای دیگر می افزاید: گروههایی از سرامدان (الیت) جامعه ایران منابع ملی را دارائی شخصی خود می



